نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ● دوره ۲۵ ● شماره ۳ ● پاییز ۱۳۹۹

چارچوب شناسایی، تحلیل و بررسی قرارگاه‌های رفتاری در طراحی فضاهای داخلی مسکن- نمونه موردی منطقه فرهنگ‌شهر شیراز*

اسماعیل مهری قهفرخی[۱]، مریم اختیاری[۲]، حمیدرضا شریف[۳]**

[۱]کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.
[۲] استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.
[۳] دانشیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۳،تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۳/۱۸)

چکیده

کیفیت ساماندهی رفتاری بر فضا و نحوه ساماندهی فرم‌ها اثرگذار است، لذا شناخت الگوهای رفتاری، باعث افزایش آگاهی معماران نسبت به میزان پاسخگویی شیوه طراحی به نیازهای رفتاری کاربران می‌گردد که نتیجه این آگاهی رویکرد منطقی و غیرکلیشه‌ای در طراحی است. لذا این پژوهش به بررسی، شناسایی و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری در فضای مسکونی می‌پردازد. میزان تطابق طراحی فضایی در کاربری مسکونی کنونی با نیازمندی‌های فضایی در زندگی روزمره این پرسش را مطرح می‌کند که معماری معاصر ایران تا چه میزان توانسته است فضایی مناسب خواست‌ها و تمایلات رفتاری انسان امروزی را طراحی کند. این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از بررسی غیرمداخله‌گرانه نمونه‌های عینی، به همراه کاربست ابزارهای محقق‌ساخته شامل جدول‌های شناسایی قرارگاه‌های رفتاری و مشخصات ترسیم شده توسط کاربران، اطلاعات را جمع‌آوری می‌نماید. یافته‌های این پژوهش به شناخت قرارگاه‌های رفتاری، شبکه‌ی الگوهای مکان-رفتار و خصوصیات و ویژگی‌های زمانی و مکانی آن‌ها می‌انجامد. این پژوهش در پی شناخت شاخصه‌های مکان-رفتار، فهم صحیح و واقع‌نگرانه‌ای از شبکه رفتار فضایی، بررسی میزان تداخل قرارگاه‌های رفتاری و شدت و ضعف و اثرگذاری آن در فضای خانه‌های امروزی در منطقه فرهنگ شهر شیراز است. نتایج پژوهش به ارائه روشی جهت پاسخ بهینه فضایی به رفتارهای دلخواه و درخور زیستی می‌انجامد.

واژه‌های کلیدی

قرارگاه رفتاری، رفتارشناسی، روانشناسی محیطی، مسکن، الگوی رفتاری، الگوی مکان-رفتار.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان: "طراحی مجموعهٔ مسکونی در شیراز با تأکید بر ساماندهی قرارگاه‌های رفتاری واحد مسکونی " شکل گرفته که با راهنمایی سرکار خانم دکتر مریم اختیاری و جناب آقای دکتر حمیدرضا شریف به انجام رسیده است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۷۱-۳۶۱۳۱۰۶۲، نمابر: ۰۷۱-۳۶۲۳۰۴۴۷، E-mail: maryam_ekhtiari@yahoo.com.

مقدمه

یکی از مشکلاتی که بسیاری از محیط‌های ساخته‌شده با آن مواجه‌اند، نبود تعامل مطلوب میان کاربران و محیط است. عدم توجه به شیوه زندگی باکفایت، الگوهای رفتاری متداول و همچنین تداخل ناهمگن برخی فعالیت‌ها با یکدیگر در خانه‌های امروزی، باعث پایین‌آمدن کیفیت زندگی در مسکن گردیده است. بنابراین معمار با ترسیم خطوط طراحی روی کاغذ، در واقع زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا، لازم است از تعاملات محیطی و پیامدها و رفتارسازی‌های طراحیِ خویش آگاه باشد و نسبت به آن احساس مسئولیت داشته باشد (فیضی و سهرابیان، ۱۳۹۳، ۸۳). در واقع «هرآنچه طراحی می‌گردد باید براساس نیازها و ارزش‌های مورد نظر کاربران بوده تا مورد قبول کاربران باشد» (Barker, 1968, 17).

لارنس (Lawrence, 1995) اظهار می‌دارد: «تجزیه‌وتحلیل کیفیت انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از قواعد و قوانین مرسوم پدیدار می‌گردد، درک معانی نهفته در طراحی خانه‌ها را ممکن می‌سازد» (پوردیهیمی، ۱۳۹۰، ۱۶). بنابراین لازم است تا با دقت در چگونگی استفاده افراد از محیط و ارزیابی مکرر و مداوم محیط‌های موجود، به طراحی محیط‌های جدید اقدام گردد (آلتمن، ۱۳۸۲، ۲۶۵).

رفتارها در فضا کمیت‌ها و کیفیت‌های تعاملی بسیار عمیقی را می‌توانند در برخورد با محیط داشته باشند. این طیف می‌تواند از بهره بردن دوسویه تا یگانه‌شدن با محیط را دربرگیرد. اما متأسفانه، برخی از تحقیقات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، به بخش‌های کوچکی از تعاملات رفتاری و فضا اشاره دارند که در برنامه‌ریزی معماری و طراحی چندان قابل استفاده نیستند (Durek, 1993). لذا بیشتر اوقات، معماران بدون توجه به تجربه ارزشمند زندگی انسان‌ها و نشیب و فرازش، براساس نظریه‌ها و یا تجربه‌های پیشین خود، با تأکید بر مسائل زیبایی‌شناسی، اقدام به طراحی می‌نمایند (Baum, Davis & Valins, 1979, 175). یکی از بهترین روش‌ها برای برداشت رفتار انسان در فضا و درک تعاملات رفتار کاربران و فضا، تحلیل و بررسی مکان فعلی زندگی کاربران با استفاده از نظریهٔ قرارگاه‌های رفتاری[1] می‌باشد؛ طراحان می‌توانند از قرارگاه‌های رفتاری به‌عنوان ابزار بسیار مناسبی برای درک موضوعات پروژه‌ها و کیفیت‌های مورد نیاز در فضاهای موجود در آن‌ها بهره برند (پوردیهیمی،۱۳۹۴، ۲۱۱).

مسأله اصلی در مسکن امروز این است که تنها بخشی از رفتارهای مطلوب و مورد مطالبه کاربران در فضای خانه، در دیگر فضاهای شهری به وقوع می‌پیوندد. این مسأله در دید کلی چندان نامناسب نیست اما اگر در روزهای سخت همچون پاندمی کرونا[2] مسکن محل مناسبی برای گذران زندگی نباشد، در این صورت می‌توان دریافت که مسکن امروز از جهاتی دچار مشکل است که نیاز به بیرون رفتن را برای ساکنین الزام می‌نماید در حالیکه ایمنی از طریق در خانه ماندن اعمال می‌گردد. به تعبیر دیگر اگر بهره‌گیری از فضاهای زندگی و شهری یک انتخاب باشد، در آن صورت فضای خانه و شهر یک فضای غنی و در امتداد یکدیگر است. اما در صورتی که فضای شهر محمل حضور برخی رفتارهای زندگی درونی خانه به علت کمبود قرارگاه‌های درخور شیوه زندگی مطلوب باشد، این مسأله فضاهای زندگی را دچار مشکل و تداخل می‌نماید. به‌طور مثال اغلب روزهای تعطیل در شیراز، افراد با صرف هزینه حمل‌ونقل و نیز خستگی به اطراف شهر و به باغ‌های شخصی می‌روند تا بتوانند فضایی فرح‌بخش را تجربه نمایند. اگر بروز این رفتار به علت نبود قرارگاه‌های رفتاری درخور حال و هوا و شیوه زندگی این مردم باشد، در آن صورت شناخت این رفتارها بسیار حائز اهمیت است. لذا به اعتقاد راجر بارکر[3] قرارگاه‌های رفتاری می‌توانند به‌نوعی پاسخدهی محیط به رفتار کاربران را افزایش دهند و عدم توجه به قرارگاه‌های رفتاری باعث از بین رفتن فعالیت‌ها و عملکرد تعریف شده در فضا و بی‌ثباتی فضا می‌گردد. بر همین اساس هدف این پژوهش، تحلیل قرارگاه‌های رفتاری موجود در مسکن، جهت برداشت و بررسی روش برخورد رفتاری کاربران در فضای واقعی زندگی آن‌هاست. لذا پژوهش حاضر بر این امر استوار است که شبکه‌ی به وقوع پیوسته الگوهای رفتاری متداول را برای درک بهتر طراحان در محیط‌های مسکونی ارائه نماید. این پژوهش بر این فرض استوار است که با بررسی شبکه الگوهای مکان-رفتار، فاصله الگوهای رفتاری واقعی و ایده‌آل خانه و کاشانه در طراحی‌ها مشهود خواهد شد.

۱- کلیات پژوهش

این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی الگوهای رفتاری و ظرف کالبدیِ در برگیرندهٔ آن، به شناسایی، تحلیل و دسته‌بندی دقیق قرارگاه‌های رفتاری در مسکن پرداخته است و درپی پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد:

قرارگاه‌های رفتاری متداول در هر یک از فضاهای مسکن کدامند و هر یک از قرارگاه‌ها کدام الگوهای مکان-رفتار را دربرمی‌گیرند؟

الگوهای رفتاری یا قرارگاه‌های رفتاری در مسکن امروز توانسته‌اند محل قرارِ ساکنان و باشندگان خود باشند و کلیه نیازها و خواست‌های رفتاری درخور و مطلوب آنها را در خود جای داده‌اند؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است تا کلیهٔ ویژگی‌های قرارگاه‌های رفتاری همراه با اجزای تشکیل دهندهٔ قرارگاه‌ها (الگوهای مکان-رفتار، رفتارها، محدودهٔ مکانی، محدودهٔ زمانی و همساختی‌رفتار-ظرف کالبد)، شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. فرضیهٔ این پژوهش بیان می‌کند که رفتارها در محیط‌های مسکونی،هم‌بندی متناسبی از قرارگاه‌های رفتاری را ایجاد می‌نمایند و هر چه شاخصه‌های قرارگاه رفتاری غنی‌تر گردد، تعامل محیط و فضا با انسان بیشتر شده و بهبود عملکرد فضا، محقق می‌شود. لذا شناسایی و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری در محیط مسکونی می‌تواند تمهیدات کاربردی طراحی مسکن را بهینه نماید. در ضمن شناخت قرارگاه رفتاری در مسکن با توجه به ارتباط عمیق مسکن با انسان، امری ضروری است.

محققان بسیاری از جمله دونالد اپل‌یارد[۴] (۱۹۶۴)، نیکول سناف[۵] (۱۹۶۶)، راجر بارکر (۱۹۶۸)، ویلیام مایکلسون[۶] (۱۹۷۵)، برونر[۷] (۱۹۷۶)، فرانسیس[۸] (۱۹۸۴)، ویلیام وایت[۹] (۱۹۸۵) و نصر (۱۹۹۰) در سراسر دنیا از دهه۶۰ تاکنون به قرارگاه رفتاری تأمل کرده‌اند. دو روش کلی که یکی شیوه مداخله‌گر و دیگری شیوه غیرمداخله‌گر است برای پژوهش در قرارگاه رفتاری اتخاذ شده است. از جمله روش‌های مداخله‌گر، روش مصاحبه و پیمایش، روش مصاحبه و ارزیابی، روش نظرخواهی و نظرسنجی، روش طراحی سریع[۱۰] برای پاسخ‌های غیرکلامی و روش ثبت زمانی[۱۱] می‌باشد و از جمله روش‌های غیرمداخله‌گر، مشاهده ساده[۱۲]، مشاهده همراه با مشارکت[۱۳] و مشاهده رَدهای فیزیکی[۱۴] و روش نقشه‌برداری رفتاری[۱۵] است (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۴). روشی که محققان این حوزه پیشنهاد داده‌اند بیشتر روش غیرمداخله‌گر می‌باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده، بیشتر پژوهش‌های قرارگاه رفتاری در محیط‌های شهری انجام گرفته‌است. شناسایی و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری در محیط مسکن با توجه به حریم شخصی، باورها و ارزش‌ها، محدودیت‌های بسیاری را دربرمی‌گیرد. در برخی تحقیقات انجام شده نیز به محدودیت‌های امکان نفوذ و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری در حوزه‌های درونی خانه، به دلیل مسائل فرهنگی و مذهبی اشاره گردیده است. کمبود تحقیقات در زمینه قرارگاه‌های رفتاری در خانه و محیط مسکونی پیامد این محدودیت‌هاست. همین امرموجب گردیده که معماران با تصورات خود از زندگی، طراحی قرارگاه های رفتاری را تحت‌الشعاع قرار دهند. برخی از محققین با استفاده از برخی روش‌های خاص توانسته‌اند تاحدودی ویژگی‌های رفتاری را در مسکن مورد مطالعه قرار دهند؛ اما نه به گونه‌ای که بتوان آن را بررسی و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری اطلاق کرد. کم‌تر پژوهشی را می‌توان یافت که الگوهای جاری رفتار در خانه را همراه با ظرف کالبدیِ دربرگیرنده‌ی آن در قالب قرارگاه‌های رفتاری در کشور مورد مطالعه قرار داده باشد. بر همین اساس ضروری است تا این مبحث مهم در زمینه محیط مسکن نیز با به کارگیری روش‌های مناسب به روشنی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

در عین حال، رفتارها در فضای زندگی در کنار کیفیات زندگی معنا می‌یابد. لذا برای اینکه محقق حوزه قرارگاه رفتاری بتواند الگوهای رفتاری را در هر جایی بشناسد، نیازمند آن است که کیفیات زندگی را بشناسد. در ضمن اگر محقق مسکن بخواهد کیفیت فضایی یک خانه را بررسی نماید تا دریابد که شاخصه‌های کیفی فضا تا چه حد بر شکل‌گیری ویژگی‌های قرارگاه رفتاری اثرگذار بوده است، لازم است که ابتدا خانه را بشناسد، در ضمن افرادی که در خانه زندگی کرده‌اند را نیز بشناسد. به عبارت دیگر کیفیت فضا اثر متقابل فرد و انسان زیست‌کننده و تأثیرگذاری آن بر فضا و سپس اثرپذیری او از فضاست. اما این امر از عهده نگاه محققین این پژوهش خارج بود چراکه شناخت مسکن و زندگی افراد به دلیل وجود حریم‌های شخصی چندان کار ساده‌ای نیست. به همین دلیل نگارندگان این مقاله سعی کردند راه‌حلی برای درک بهتر قرارگاه رفتاری و توجه به کیفیات فضایی اتخاذ نمایند. لذا با ارائه پرسشنامه به خانواده‌های دانشجویان معماری شیرازی در منطقه مورد مطالعه و توضیح توجه به کیفیات زندگی بدانها، از خود افراد زندگی‌کننده در فضا که درک بهتری از زندگی و کیفیات زندگی خود دارند و در عین حال در زمینه این موضوعات تخصص هم دارند، کمک گرفته شد. بدین شکل در واقع تا حدودی محققین این پژوهش توانستند راهکار درخور جامعه و در عین حال نسبتا دقیقی را اتخاذ نمایند.

۲- پیشینهٔ پژوهش

راجربارکر محیط را مجموعه‌ای از قرارگاه‌های رفتاری معرفی می‌کند که در درون یکدیگر قرار گرفته‌اند و با هم فصل مشترک دارند و باید در طراحی برای آن‌ها پاسخی ارائه گردد. براساس نظریهٔ قرارگاه رفتاری، محیط اغتشاشی از اتفاقات بی‌ربط و متفرقه نمی‌باشد؛ بلکه از واحدهایی وابسته به هم و الگو یافته تشکیل شده است که معمولاً در سکانس ها یا دسته‌هایی دقیق (قرارگاه‌های رفتاری) نظم یافته‌اند (Barker, 1968, 154) و (Wicker, 1979,16). راپاپورت(Rapoport, 2005) بیان می‌دارد» که یک فضا شامل تعدادی قرارگاه‌های رفتاری متفاوت می‌تواند باشد. همچنین یک فضا می‌تواند قرارگاه‌های‌رفتاری متفاوتی در زمان‌های مختلف داشته باشد که قواعد در آن‌ها بصورت موقتی تغییر می‌کند» (به نقل از پوردیهیمی،۱۳۹۴،۱۸۷-۱۸۸). قرارگاه رفتاری واحد مستقلی از فضا با مرزهای زمانی و مکانی محدود است و الزاماتی را برای وقوع رفتار تعریف می‌نماید (Manandhar, 2014, 3). براساس مطالعات انجام شده در زمینهٔ قرارگاه‌های‌رفتاری، در جدول

جدول ۱- شاخص‌های قرارگاه رفتاری.

شاخص‌های بوجود آورنده قرارگاه‌رفتاری	شاخص‌های ساختاری	یک یا چند الگوی رفتاری دائمی و تکرار شونده	*Barker 1940, Barker & Write 1947 ; Nenci & Bonnes, 2009; Francovich, 2008*
		محدودهٔ مکانی مشخص که دربرگیرندهٔ[۱۶] رفتار است.	*Barker 1968; Manandhar 2014; Wicker 1984; Nenci & Bonnes, 2009; Wicker, 2002*
		وجود ساختار داخلی مکان(مبلمان و تجهیزات لازم برای وقوع رفتار)	*Barker 1940; Barker & Write 1947; Wicker, 1984,2002* پوردیهیمی،۱۳۹۴
		محدودهٔ زمانی مشخص برای وقوع رفتار	*Barker 1968; Manandhar 2014; Wicker 1984,2002; Nenci & Bonnes, 2009;* افشاری، پوردیهیمی، ۱۳۹۴
	شاخص‌های پویایی	همساختی رفتار و ظرف کالبدی برای بوجود آمدن الگوی مکان-رفتارها	*Barker 1968; Rapoport, 2005;* گلرخ، ۱۳۹۰
		در یک قرارگاه رفتاری الگوهای مکان-رفتار دارای درجهٔ مشخصی از وابستگی[۱۷] متقابل هستند.	*Barker 1968; Francovich, 2008; Schoggen, 1989*
		درجهٔ وابستگی متقابل در الگوهای مکان-رفتاری یک قرارگاه رفتاری نسبت به قرارگاه رفتاری مجاور بیشتر است.	*Barker, 1968; Rapoport, 2005; Scott, 2005; Wicker, 2011*

(۱)، دو شاخص اصلی که در مجموع شامل هفت ویژگی لازم برای به‌وجود آمدن قرارگاه‌های رفتاری می‌باشد، ذکر گردیده‌است.

۳- جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در قرارگاه‌های رفتاری

همانطور که پیشتر بیان شد روش پیشنهادی بارکر و دیگر محققان برای شناسایی قرارگاه‌های رفتاری نیازمند حضور فرد محقق جهت برداشت اطلاعات می‌باشد (Cosco, Moore, & Islam, 2010, 514). چنین روش‌هایی در محیط‌های خصوصی به دلیل حفظ حریم خصوصی و عدم امکان حضور پژوهشگر با توجه به شرایط فرهنگی و مذهبی، کارا نیست. به همین جهت ابداع روشی نو جهت برداشت اطلاعات به‌گونه‌ای غیرمستقیم و بدون نیاز به حضور محقق در مکان ضروری است. این روش لازم است تا متکی به اطلاعات کاربران فضا از کیفیت زندگی‌شان باشد. بدان‌سبب که این اطلاعات در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد و پایه پژوهش را بنا می‌نهد، ضروری است روشی اتخاذ گردد که دقت برداشت اطلاعات در آن ضمان شود تا بتوان قرارگاه‌های رفتاری موجود در مسکن را به درستی شناسایی، تحلیل و بررسی نمود.

در کلیهٔ تحقیقات انجام‌گرفته در زمینه رفتارشناسی، مشاهده و ارزیابی رفتارها در محیط‌های واقعی انجام گرفته است؛ در این بین رابطه درست مشاهده‌گر، نظاره‌گری رفتارهای غنی افراد و روش قرارگرفتن در محیط از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌توان از آن به‌عنوان برخی از محدودیت‌های تحلیل و بررسی قرارگاه‌های رفتاری یادکرد. هِنری سان‌آف[۱۸] در مقاله‌ای تحت عنوان «قرارگاه‌های رفتاری در محیط‌های مسکونی»[۱۹] استفاده از پرسشنامه را با دقت به توالی انواع فعالیت‌ها به نمایش گذاشته است (Sanoff, 1971). دیوید پرکینز[۲۰] نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی قرارگاه رفتاری برای برنامه‌های اجتماعی و سکونتگاه‌ها»[۲۱] تعدادی از قرارگاه‌های رفتاری در مسکن را با روشی به نام «BSA» ارزیابی نمود. این روش توسط پرسشنامه‌ای چهار بخشی شامل بخش اول، شناسایی قرارگاه‌های رفتاری و ویژگی‌های کاربران و محدوده‌های زمانی و مکانی قرارگاه‌های رفتاری و همچنین سطوح مشارکت کاربران، بخش دوم شناسایی کلیهٔ اشیاء، بخش سوم شناسایی رفتارهایی که توسط کاربران بطور منظم، نامنظم و یا به ندرت در قرارگاه رفتاری اتفاق می‌افتند، و بخش آخر گزارش میزان رغبت و رضایت کاربران از وقوع هر رفتار در قرارگاه رفتاری در سه سطح کاملاً راضی و خوشنود، قابل تحمل و ناراحت کننده می‌باشد. در نهایت، فعالیت‌های مناسب و اخلالگر شناسایی و برنامه‌هایی جهت بهبود فضای معماری ارائه شده‌است (Perkins & Baker, 1991). افشاری و پوردیهیمی نیز در پژوهشی تحت عنوان «توالی معنادار فعالیت‌ها در مسکن» مسکن ایل قشقایی را با تأکید بر توالی زمانی و مکانی فعالیت‌ها در مسکن به عنوان منشأ شکل‌گیری و توسعه‌ی قرارگاه‌های رفتاری مطالعه نموده‌اند. آنها از روش تحقیق کیفی با تکنیک‌های مختلف گردآوری اطلاعات مانند عکسبرداری از محیط و فعالیت‌ها، ترسیم نقشه‌های محیط مسکن، ترسیم دیاگرام توالی قرارگاه‌های رفتاری و مصاحبه‌ی نردبانی نیمه ساختاریافته بهره برده‌اند. یافته‌ها در دو بخش «توالی زمانی» و «توالی فضایی» تحلیل شده و با مدل ابزار- غایت، پیامدها و معانی حاکم بر توالی فعالیت‌ها در قالب گزاره‌های «خصوصیت، پیامد، معنی» شرح داده شده است (افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۴).

در نهایت با جمع‌بندی کلیه روش‌ها، دو پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته تنظیم شد. پرسشنامه اول از نام فضاهای موجود در خانه پرسیده شد تا بتوان نتیجه گرفت که کدام فضاها در خانه‌ها دارای فراوانی بیشتر هستند. این امر بدان سبب انجام شد که مشخص نماید نسبت به کدام فضاها می‌توان نتایج تحلیلی دقیق‌تری با توجه به فراوانی آنها گرفت. پرسشنامه دوم به شکلی ساده، چهار بخش را شبیه روش «BSA» بررسی می‌نمود. در ابتدا کلیه فعالیت‌هایی که می‌توانست در کلیه فضاها به وقوع بپیوندد نگاشته شد و از افراد خواسته شد با کمک خانواده به این مهم پاسخ دهند که در هر فضای معماری کدام یک از شاخصه‌های قرارگاه رفتاری برای هر فعالیت حضور دارد. این گونه سوال‌ها برای این بود که اگر به‌طور مثال پرسیده می‌شد رفتار غذاخوردن در آشپزخانه وجود دارد، با توجه به عدم شناخت مفهوم قرارگاه رفتاری احتمالا فرد پاسخگو در صورتی که یک بار در سال این امر در فضای آشپزخانه اتفاق می‌افتاد، اعلام می‌نمود که این فعالیت، قرارگاه رفتاری دارد، در حالی که در واقع شاخصه‌های اصلی برای اینکه الگوی مکان-رفتار باشد در فضا حضور ندارد. بخش دوم مربوط به پرسش از کیفیت‌های حاضر در آن فعالیت است که از افراد، پرسش شده که آیا با انجام فعالیت در فضا موافق هستند و از حضور آن رضایت دارند و نیز فضای معماری برای انجام آن فعالیت تا چه حد مناسب است. در ضمن این سوال مطرح شد که مبلمان و ابزار زندگی که می‌تواند نمایانگر روش زندگی افراد باشد تا چه حد در انجام فعالیت کمک می‌کند. در اینگونه سوالات، برعکسِ سوالات پیشین که تنها از کمیت‌ها پرسیده شده، از کیفیت‌های الگوهای مکان-رفتار نیز پرسیده شده است. بخش بعدی پرسشنامه در خواست از پاسخ‌دهندگان برای ترسیم نقشه فضا و ترسیم مکان-رفتارها در آن بوده است که افراد با توجه به کیفیت‌های زندگی خود و نقشه شناختی خود آنها را ترسیم نموده بودند. گاهی این ترسیمات سطح عمیق‌تر برخورد انسان‌ها و فضا را نشان می‌داد که فراتر از نمود ظاهری قرارگاه‌های رفتاری را نمایان می‌ساخت. با تفسیر این گرافیک‌های تصویری از الگوهای مکان-رفتار فضا می‌شد برخی موارد را در فضاها تفسیر و تحلیل نمود. در نهایت از کاربران خواسته شد که در صورتی که نظری در مورد فضای ایده‌آل یا قرارگاه ایده‌آل فضاها مثلاً نشیمن دارند، آن را به روشی که خود مناسب می‌دانند، بیان نمایند. در بخش آخر پرسشنامه هم مقصود محققین بر آن بود که بدانند تا چه حد الگوهای مکان-رفتار جاری توانسته به خواست‌ها و دلخواه های افراد زندگی‌کننده نزدیک گردد. و تا چه حد این الگوها از ایده‌آل زندگی آنها فاصله دارد.

موردپژوهی

در پژوهش حاضر جامعه آماری بخشی از منطقه ۶ شیراز یعنی فرهنگ‌شهر را دربرمی‌گیرد. از بین این جامعه آماری، تعداد ۴۵ مسکن به عنوان نمونه در بخش فرهنگ‌شهر شیراز انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی و هدفمند انتخاب شده‌است و بر این اساس با توجه به نیاز پرسشنامه به فهم فضاها و توان نقشه‌کشی و همچنین به دلیل در دسترس‌بودن و امکان همکاری

بیشتر جامعه‌آماری، تعدادی از دانشجویان معماری و خانواده‌های ایشان به عنوان جامعهٔ آماری همکاری داشته‌اند.

در این روش امکان انتخاب گونه مسکن نبود و لذا دو گونه مسکن با توجه به منطقه۶ که یک منطقه نسبتا تازه‌ساز است مشاهده شد. انتخاب منطقه۶ شاید در این زمینه کمک شایانی نمود. چون اگر در مناطق دیگر شیراز این موضوع بررسی می‌شد، گونه‌های بیشتری از مسکن وجود داشت که پژوهش را به چالش‌های بسیار زیادی می‌کشاند. اما انتخاب جامعه آماری از منطقه۶ که روش زندگی امروزی در دو شکل آپارتمانی و حیاط‌دار در آن مستقر است، خود می‌تواند کمک شایانی به پژوهش نماید که متغیرهای مداخله‌گر تحقیق که مربوط به سبک زندگی[۲۲] می‌باشند، کاهش یابند. لذا، بدان سبب که انتخاب هدفمند بر فهم پرسشنامه متمرکز بوده، لذا گونه مسکن، با در نظرگرفتن همسانی چارچوب سبک زندگی، به صورت تصادفی انتخاب شده و حدود ۵۵ درصد نمونه‌ها خانه‌های حیاط‌دار و ویلایی و ۴۵ درصد نیز به صورت آپارتمانی می‌باشند. راهکار ارائه شده در انتخاب نمونه‌ها در این پژوهش به جهت حفظ حریم در عین برداشت دقیق مؤلفه‌های مسکن، می‌تواند به عنوان روشی نو در فرآیند مطالعات مسکن استفاده گردد.

۳-۱. جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر

در این پژوهش ابزار گردآوری داده‌ها از قرارگاه‌های رفتاری اندرون خانه، پرسشنامه محقق ساخته است که به دو طریق پرکردن جدول‌های شناسایی قرارگاه‌های رفتاری و ترسیم اطلاعات بیان شده با کمک کاربران فضا، موارد مورد نیاز، برداشت می‌گردد. طراحی جداول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری به گونه‌ای است که ابتدا میزان وجود کلیه فضاهای متداول در خانه‌های مورد مطالعه را مشخص نموده سپس به شناسایی رفتارها در هر یک از فضاهای مشخص شده می‌پردازد و در ادامه، همه‌ی شاخص‌های قرارگاه‌های رفتاری را در قالب سوالات یکسانی در مورد هر یک از رفتارها مطرح می‌نماید و رفتارها از این طریق مورد سنجش قرار می‌گیرند. جهت شناخت قرارگاه رفتاری برای هر فضایی با احتمال زیاد وجود در خانه، جدولی بخصوص با سؤالات یکسان در مورد فعالیت‌های متفاوت، تنظیم و طراحی شده‌است.

طبق ارزش‌گذاری انجام شده برروی گزینه‌های پرسشنامه، در صورتی که میزان وجود هر یک از شاخص‌ها در رفتارها از حدنصاب[۲۳] ۴/۷ یا ۵۷٪ فراتر رود، وجود آن شاخص در رفتار مورد نظر قابل تایید می‌باشد. در صورتی که یک رفتار بتواند حدنصاب کلیهٔ شاخص‌ها را کسب نماید، می‌توان آن رفتار را یک الگوی مکان-رفتار بشمار آورد. پس از مشخص‌شدن انواع الگوهای مکان-رفتار در فضاهای مختلف مسکن به دسته‌بندی الگوهای مکان-رفتار در قرارگاه‌ها رفتاری می‌پردازیم و براساس آن انواع قرارگاه‌های رفتاری در هر یک از فضاهای مسکن مشخص می‌گردد. تصویر (۱) نمودار روند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات قرارگاه‌های رفتاری در مسکن را باتوجه به شاخص‌های بوجود آورنده‌ی آن نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است. خصوصیات محدوده مکانی وقوع رفتارها تنها از طریق پرسشنامه قابل برداشت و سنجش نیست، لذا در این مسیر از کابران خواسته شده تا با کشیدن پلان و نقشه خانه خود، محل وقوع رفتارها را ترسیم و کدگذاری کنند و مکان قرارگیری مبلمان و ویژگی‌ها و محدوده‌های مکانی رفتارها و الگوهای مکان-رفتار را با کمک ترسیم مشخص و تبیین نمایند. در صورت عدم توانایی کاربران در ارائه اطلاعات ترسیمی، می‌توان متناسب با توانایی افراد از روش‌های مختلفی همچون، کدگذاری رفتارهای هم‌مکان، مصاحبه‌ی حضوری و یا هر روش ابداعی دیگری که از طریق آن بتوان هم‌مکان‌بودن وقوع رفتارها را نسبت به یکدیگر در هر یک از فضاها مشخص نمود، استفاده کرد.

۳-۳. تحلیل و بررسی اطلاعات

در ابتدا با تحلیل و بررسی اطلاعات در جدول (۲)، به تشخیص فضاهای موجود در خانه و درصد فراوانی انواع فضاهای مختلف در خانه‌های مورد مطالعه در منطقه مورد نظر پرداخته شده است. نتایج تحلیل و بررسی در این مرحله بیانگر آن‌است که در همه خانه‌ها فضاهای نشیمن، آشپزخانه و اتاق به عنوان یک فضای مشخص

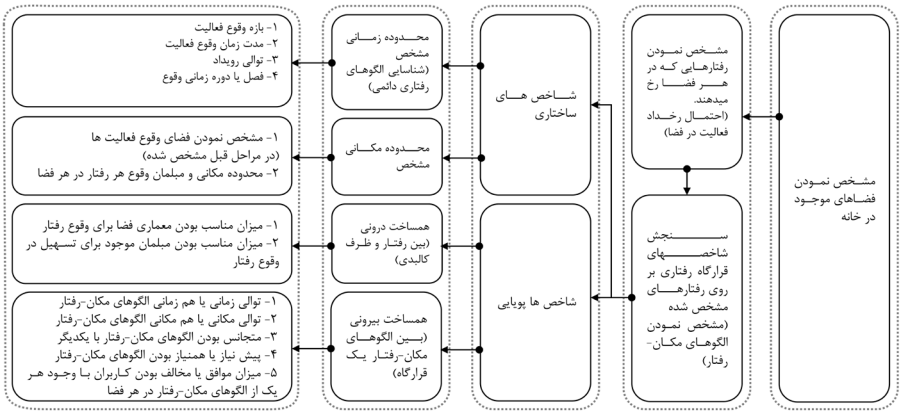

تصویر ۱- نمودار روند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات قرارگاه‌های رفتاری در مسکن.

جدول ۲- فراوانی فضاها در واحدهای مسکونی.

عنوان فضا	نشیمن	آشپزخانه	پذیرایی	نهارخوری	اتاق	فضاهای نیمه باز	حیاط
درصد وجود فضاهای مختلف در خانه‌های مورد مطالعه	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۴۳٪	۳۱٪	۱۰۰٪	۷۹٪	۶۲٪

موجود است. اما برخی فضاها چون پذیرایی و نهارخوری به علت اینکه از حدنصاب ۵۷٪ کم‌تر بودند و حجم نمونه غیر قابل استناد را ایجاد می‌نمودند، از سیر پژوهش خارج شده و به مرحله بعدی تحقیق یعنی شناخت رفتارها و قرارگاه‌ها وارد نشدند. . لذا در ادامه به بررسی شناسایی و تحلیل قرارگاه‌های فضاهای نشیمن، آشپزخانه، اتاق، فضاهای نیمه باز و حیاط پرداخته می‌شود.

برای بررسی همسان کلیه فضاها، سعی شد الگوهای مکان-رفتار در همه فضاها به صورت مستقل شناسایی شوند. گرچه در ابتدا به نظر می‌رسید برخی فضاها مانند فضاهای باز و نیمه‌باز، تداوم فعالیت با فضای کناری خود دارند، اما بدان سبب که همسانی تحقیق برای کلیه فضاها مشابه و یکسان باشد، لذا کلیه فضاها به روش تجزیه و تحلیلی بررسی شدند.

در پژوهش حاضر برای تشخیص رخداد انواع رفتارهای واقع در یک خانهٔ مسکونی، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای ابتدا پیش‌نویسی از فعالیت‌ها تهیه گردید و سپس با استفاده از دانش متخصصین در این زمینه و مصاحبه با آنان و همچنین به روش مشاهده‌ی برخی نمونه‌ها، فهرستی از فعالیت‌هایی که بصورت عام در همه‌ی خانه‌های مسکونی امکان رخداد بالایی دارد تهیه شد. این فعالیت‌ها در حدود ۴۲ فعالیت غیر مشابه با امکان وقوع بالا توسط کاربران در هریک از فضاهای خانه است. عناوین این فعالیت‌ها با توجه به محدودیت نوشتاری در این بحث قابل ذکر نیستند اما در تحلیل نهایی کلیه فعالیت‌های شکل‌دهنده قرارگاه رفتاری ذکر گردیده‌اند. در ادامه با ارائه جداول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری فضاهای مختلف، از کاربران خواسته شده است تا با مطالعه جدول فهرست فعالیت‌های مندرج در هر فضا، فعالیت‌هایی که امکان رخداد آن‌ها وجود دارد را در جدول مخصوص آن فضا مشخص نمایند. در مرحلهٔ بعدی جمع‌آوری اطلاعات شاخص‌های الگوهای مکان-رفتار در قرارگاه‌های رفتاری برروی کلیه رفتارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. برهمین اساس لازم است تا محدوده‌ی مکانی و زمانی رفتارها و همساخت بین رفتار و ظرف کالبدی مورد بررسی قرار گیرد. در مرحله قبل، محدوده مکانی رفتارها با انتخاب رفتارهای هر فضا مشخص گردیده است. محدودهٔ زمانی وقوع رفتارها نیز شامل بازهٔ زمانی وقوع رفتار، مدت زمان وقوع رفتار، توالی رویداد رفتار و همچنین فصل یا دوره‌ی زمانی وقوع رفتار می‌باشد که در جداول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری مشخص می‌گردد (جدول ۳). برای مشخص نمودن وجود یا عدم وجود همساخت رفتار و ظرف کالبدی نیز نظر کاربران از میزان مناسب‌بودن فضا و مبلمان موجود در آن برای وقوع هر یک از رفتارها در هریک از فضاها مورد سوال قرار گرفته است. پس از این مراحل و مشخص‌شدن الگوهای مکان-رفتار، به دسته‌بندی آن‌ها در قرارگاه‌های مختلف می‌پردازیم.

در این پژوهش پنج معیار اصلی برای گروه‌بندی الگوهای مکان-رفتار واقع شده در قرارگاه‌های رفتاری در نظر گرفته شده است این معیارها شامل هم‌زمانی یا توالی زمانی الگوهای مکان-رفتار، هم‌مکانی یا توالی مکانی الگوهای مکان-رفتار، میزان هم‌ساخت و متجانس‌بودن الگوهای مکان-رفتار، پیش‌نیاز یا هم‌نیازبودن الگوهای مکان-رفتار برای وقوع و همچنین میزان موافق یا مخالف‌بودن کاربران با وقوع هر یک از الگوهای مکان-رفتار در فضاهای خانه (که قبلاً در پرسشنامه برای هر یک از رفتارها مورد سؤال قرارگرفته است) می‌باشند. در واقع سه بخش بررسی ویژگی‌های کمی قرارگاه‌ها شامل شاخص‌های زمانی و مکانی رفتار، بررسی کیفیت الگوهای رفتاری از جهت میزان همساختی و تعامل صحیح محیط و انسان، و نیز بررسی ویژگی‌های فرهنگی زندگی با توجه به ابزارهای زندگی که به گفته چاپین[۲۴] (۱۹۳۶) به عنوان نمود نهایی سبک زندگی و منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی-اجتماعی است، انجام گرفت.

با توجه به روش ذکرشده و تحلیل‌ها و بررسی‌های به‌عمل آمده در این زمینه، قرارگاه‌های رفتاری موجود در هر یک از فضاهای خانه‌های مسکونی دسته‌بندی و مشخص گردیده‌اند. برخی رفتارها، شاخصه‌های کمی را داشتند اما شاخصه‌های کیفی را نداشتند، یا شاخصه‌دارابودن مکان یا مبلمان خاص که بتواند نمود آنها باشد در رفتار وجود نداشت. در صورتی که همه شاخصه‌های قرارگاه رفتاری در رفتار طبق نظر پاسخگویان به پرسشنامه وجود داشت، این رفتار به عنوان قرارگاه اصلی قلمداد می‌شد. مثلاً رفتار عبادت کردن در فضای نشیمن شاخصه‌های کمی زمانی را کسب نموده یعنی در زمان‌های مختلف در روز به وقوع می‌پیوسته و توالی زمانی داشته و در ضمن محدوده زمانی برای وقوع آن نیز وجود داشته است اما به نظر می‌رسد مکان خاصی برای وقوعش در فضای نشیمن ندارد و یا شاخصه همساختی آن با فضا چندان بالا نیست. این امر می‌تواند بدان سبب باشد که به‌طور کلی دایره مکانی این رفتار وسیع‌تر از فضای نشیمن است ولی دایره زمانی خاصی برای وقوع دارد. جمع

جدول ۳- نمونه جدول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری.

کُد فضا: A	جدول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری		شمارهٔ ــــ
	نام فضا: **نشیمن**	کاربر یا کاربران اصلی فضا: (کُد کاربر ذکر گردد)	

فعالیت‌ها	کد فعالیت	بازهٔ زمانی وقوع فعالیت (بازه‌های بین ۲۴-۰) (لطفاً با عدد ذکر گردد)	مدت زمان وقوع فعالیت در هر بازه	هر چندوقت یکبار این فعالیت در این فضا انجام می‌گیرد؟					فصل یا دورهٔ زمانی خاص برای انجام فعالیت	چقدر با انجام این فعالیت در این فضا موافقید؟					معماری این فضا را تا چه حد برای انجام این فعالیت مناسب می‌بینید؟					چقدر وسایل و مبلمان موجود در فضا شما را در انجام این فعالیت کمک می‌کنند؟				
				هر روز	هر چند روز	هر هفته	هر ماه	نامشخص		کاملاً موافقم (تقویت گردد)	موافقم(بدون تغییر باقی بماند)	بینابین (کنترل گردد)	مخالفم (تقلیل یابد)	کاملاً مخالفم (حذف گردد)	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
دور هم نشستن و گفتوگو کردن	۱																							
تماشای تلویزیون	۲																							
پذیرایی از مهمانان	۳																							
صرف نوشیدنی(چای، قهوه، شربت و...)	۴																							
صرف میان وعده، میوه، تنقلات و...	۵																							

کلیه شاخصه‌ها در هر سه سطح کمی و کیفی و فرهنگی، آیتمی به اسم قرارگاه اصلی یا احتمالی در فضا را به ما نشان داد. این شاخصه موجب شد تا بتوانیم قرارگاه‌ها را در فضاها شناسایی نماییم و متوجه گردیم کدام رفتارها گستره بیشتری از شاخصه‌های قرارگاه را به خود اختصاص داده‌اند. این مهم در بالای جدول هر فضا آورده شده‌است.

در جداول تحلیل قرارگاه‌های رفتاری، الگوهای مکان-رفتار با احتمال رخداد بیش از ۵۷٪ طبق نظر بارکر، بعنوان قرارگاه‌های رفتاری اصلی و قرارگاه‌های رفتاری که از رفتارهایی با احتمال رخداد کم‌تر از ۵۷٪ تشکیل شده‌اند بعنوان قرارگاه‌های رفتاری احتمالی معرفی گردیده‌اند. یعنی هر شاخصه الگوی مکان-رفتار باید حداقل ۲/۸۵ از ۵ را کسب کرده باشد و اگر همه شاخصه‌های مکان رفتار از این حدنصاب بالاتر باشد یعنی الگوی مکان-رفتار کلیه شاخصه‌ها را کسب کرده. بنابراین قرارگاه رفتاری اصلی در فضای مورد نظراست. در روند تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، جهت امتیاز دهی به پاسخ کاربران و بدست آوردن امتیاز کلی گویه‌ها، با توجه به اینکه از طیف پنج‌تایی لیکرت[۲۵] نیز استفاده شده است، به ترتیب به گزینه‌ها ارزش‌های ۱ تا ۵ داده می‌شود. سپس امتیاز هر یک از سؤالات، از حاصل ضرب تعداد هر یک از گزینه‌ها در ارزش آن گزینه، تقسیم بر تعداد پاسخ‌دهندگان به آن سوال، به دست می‌آید. درصورتی که امتیاز به‌دست‌آمده از حدنصاب مورد نظر فراتر رود، وجود شاخص موردنظر تایید می‌گردد.

۴- قرارگاه‌های رفتاری

در پژوهش حاضر همه قرارگاه‌های رفتاری در هر یک از فضاهای مسکن شناسایی گردیده‌است؛ این قرارگاه‌ها به صورت شبکه‌ای از رفتارها در مسکن معرفی شده‌اند. دسته‌ای از رفتارها که حدنصاب کلیه شاخصه‌های کیفی و کمی و فرهنگی (تطابق با سبک زندگی) را داشتند به عنوان قرارگاه اصلی شناخته شدند و سعی شد دیگر قرارگاه‌ها تا حدی که امکان حضورشان معنادار باشد به عنوان قرارگاه‌های احتمالی[۲۶] بیان گردند. قرارگاه‌های احتمالی توصیف قرارگاه‌هایی هستند که حد نصاب برخی شاخصه‌های قرارگاه در آنها بین ۴۲ تا ۵۷ درصد است یعنی در حد متوسط قابل قبول هستند. مثلاً شاخصه زمان‌مندی و گنجیدن در زمانِ خاص و توالی رفتار و تکرار آن در دوره‌های متوالی را دارند اما مثلاً وابستگی‌اشان به مکان کم است. یا اتصال آنها به ابزارها یا فضاهای زندگی که می‌تواند نمود سبک زندگی باشد در آنها کم است. بدین شکل طیفی از رفتارها در هر فضا به‌دست آمد که «برخی» کلیه شاخصه‌ها را داشتند و برخی تنها بخشی از شاخصه‌ها را دارا بودند.

در ضمن در جدول آیتمی تحت عنوان احتمال رخداد وجود دارد که این آیتم بدان معناست که طبق نظر کاربران و باشندگان فضا، به‌طور عام رفتار مورد نظر در صد درصد خانه‌ها در فضای مورد نظر به وقوع می‌پیوندد و هر چه این عدد کم‌تر شود یعنی مثلاً ۱۲ درصد از کاربران رفتار آماده‌شدن قبل از خروج را در فضای نشیمن شناسایی نمودند.

در تحلیل اطلاعات دو فاکتور زمان و مکان با هم مقایسه شدند. بدین معنا که با نظر به دو شاخص محدوده زمانی و توالی رویداد، در قیاس با محدوده مکانی فعالیت میزان وابستگی رفتار به مکان یا زمان مشهود می‌شد. به‌طور مثال رفتار عبادت کردن رفتاری شناخته شد که محدوده زمانی رفتار از دایره مکانی آن بسیار مشخص‌تر است. و این می‌تواند بدان سبب باشد که شخصیت رفتار عبادت و نماز خواندن به‌طور کلی به همین شکل است و در مکان‌های مختلف اما در زمان‌های خاصی اتفاق می‌افتد. لذا رفتار عبادت بیشتر زمان‌مند جلوه نمود تا مکان‌مند. برای فهم کیفیت فضا دو شاخص همساختی

جدول ۴- قرارگاه رفتاری در فضای نشیمن.

نشیمن A		قرارگاه‌های اصلی													قرارگاه‌های احتمالی							
		A۱							A۲		A۳	A۴	A۵	A۶	A۷	A۸	A۹			A۱۰		
		دور هم نشستن	صرف نوشیدنی	تماشای تلویزیون	صرف میان وعده	استفاده از تلفن همراه	شب نشینی	گوش دادن به موسیقی یا رادیو	پذیرایی از مهمانان	استقبال یا مشایعت از مهمان	صرف نهار	صرف شام	خوابیدن	صرف صبحانه	عبادت کردن	رسیدگی به گل و گیاه	کار با کامپیوتر و لپ تاپ	مطالعه کردن	انجام امور مربوط به حرفه	درآوردن لباس و کفش	آماده شدن قبل از خروج	نتیجهٔ کلی در فضا
		a1	a4	a2	a5	a13	a32	a17	a3	a38	a7	a8	a31	a6	a11	a15	a29	a9	a30	a39	a40	
سؤال	احتمال رخ داد	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۹۸	٪۹۵	٪۸۳	٪۸۱	٪۴۳	٪۸۸	٪۶۲	٪۷۴	٪۶۹	٪۶۴	٪۵۵	٪۴۸	٪۴۸	٪۵۵	٪۵۰	٪۳۳	٪۱۷	٪۱۲	
A	محدودهٔ زمانی	۴,۷	۴,۳	۴,۶	۴,۴	۳,۶	۴,۵	۴,۲	۴,۴	۳,۷	۴,۵	۴,۵	۴,۶	۴,۴	۳,۸	۴,۱	۴,۱	۴	۴	۳,۴	۲,۷	۴,۱
B	توالی رویدارد	۴,۶	۴,۳	۴,۹	۴,۷	۴,۸	۳,۱	۳,۸	۳,۵	۲,۱	۴,۷	۴,۸	۳,۳	۴,۶	۴,۷	۴,۱	۳,۶	۳,۹	۳,۸	۵	۴,۸	۴,۱
C	موافق بودن با وقوع	۴,۷	۴,۳	۳,۵	۴	۲,۹	۴	۴,۳	۳,۷	۳,۱	۳,۸	۳,۹	۲,۵	۳,۶	۳	۴,۷	۳,۴	۳,۷	۳,۲	۳	۳,۵	۳,۶
D	مکان‌مند بودن	۵	۵	۴,۹	۴,۷	۴,۱	۴	۲,۱	۴	۳,۱	۳,۷	۳,۴	۳,۲	۲,۷	۲,۴	۲,۴	۲,۷	۲,۵	۱,۷	۰,۸	۰,۶	۳,۲
E	همساخت با فضا	۳,۴	۳,۶	۳,۶	۳,۵	۳,۴	۳,۴	۳,۴	۳,۱	۳,۲	۳,۳	۳,۵	۲,۶	۳	۲,۸	۳,۴	۲,۸	۲,۹	۲,۶	۲,۹	۲,۸	۳,۲
F	همساخت با مبلمان	۳,۸	۳,۹	۴,۲	۳,۷	۳,۸	۳,۶	۳,۹	۳,۵	۳,۱	۳,۴	۳,۶	۳,۴	۳,۱	۲,۴	۳,۷	۳,۳	۲,۹	۳,۱	۳,۶	۳,۵	۳,۵

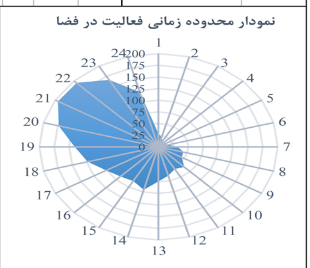

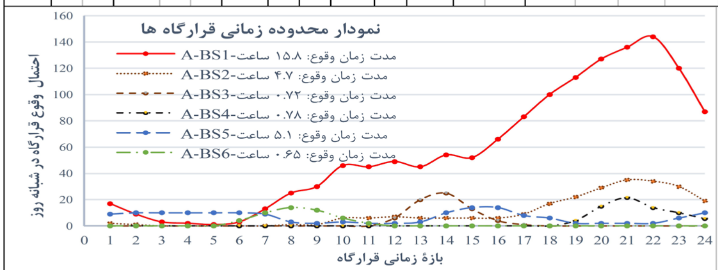

راهنمای جدول | A۱,A۲,...,A۱۰ کد قرارگاه‌های رفتاری نشیمن | a۱,a۲,...,a۴۲ کد فعالیت‌ها و رفتارها در نشیمن بر اساس پرسشنامه

با فضا و همساختی با مبلمان نیز با هم قیاس شدند. هر رفتاری که با فضا بیشتر همساخت داشت بدین معنا بود که اتصال رفتار به فضای وقوع رفتار بیشتر است و لذا در این پژوهش بدان، فضامحور اطلاق شد. و هر رفتاری که بیشتر با مبلمان همساختی نشان داده بود، مشخص شد که مبلمان در وقوع رفتار نقش بسیار زیادی دارد، لذا در پژوهش پیش‌رو مبلمان‌محور قلمداد شد. مثلاً رفتار تماشای تلویزیون به شدت به مبلمان خود وابسته بود و مبلمان‌محور قلمداد شد که کاملاً مشهود است. اما رفتار دورهم‌نشستن که به گونه‌ای در همه مکانها به وقوع می‌پیوست در کل، رفتاری همساخت با فضا از خود بروز می‌داد و میزان تعامل این رفتار با فضا بیشتر از میزان تعامل آن با مبلمان بود. گرچه در بررسی‌های انجام شده مشهود شد که وزن مبلمان‌محوربودن رفتارها بسیار افزایش یافته و اتصال رفتارها به مبلمان به عنوان دارایی مادی و نشان‌دهنده شان و منزلت اقتصادی-اجتماعی خانواده در سبک زندگی امروز بیشتر شده‌است. در ادامه به اطلاعات رفتاری که از تک تک فضاها به دست آمده پرداخته می‌شود.

۴-۱. قرارگاه‌های رفتاری در فضای نشیمن

طبق داده‌های کسب شده از خانه‌های مطالعه‌شده (جدول ۴)، فضای نشیمن یکی از اصلی‌ترین فضاهای عمومی در خانه‌های امروزی به‌شمار می‌رود. کاربران به۳۰ نوع فعالیت مختلف در این فضا اشاره داشتند؛ که از این میان، تنها ۱۱ رفتار همه‌ی شاخص‌های قرارگاه‌های رفتاری را به عنوان الگوی مکان-رفتار کسب نموده‌اند. ۵ قرارگاه رفتاری با دسته‌بندی الگوهای مکان-رفتار در نشیمن، شناسایی شده‌است. با توجه به جدول (۴)، نسبت بین تعداد الگوهای مکان-رفتار به کل رفتارهایی که کاربران در فضای نشیمن بدان اشاره نموده‌اند۱۱/۳۰ معادل ۱/۸ از ۵ می‌باشد. هرچه این نسبت بزرگتر گردد، در واقع رفتارهای بیشتری در فضا تبدیل به قرارگاه رفتاری شده و در نتیجه پاسخدهی فضا به رفتارهای متنوع افزایش می‌یابد. طبق نمودار مدور در جدول (۴)، در این فضا بیشتر فعالیت‌ها در طول شب رخ می‌دهد. طبق نتایج کلی، در فضای نشیمن رفتارها دارای زمان خاص جهت وقوع هستند. و از لحاظ موافق‌بودن با وقوع رفتارها، کاربران نسبتا با این رفتارها موافق هستند و تا حدودی نارضایتی از رفتار وجود دارد. که این نارضایتی گاهی به علت عدم وجود رفتارهای دلخواه، گاهی به علت تداخل رفتارها و گاهی به علت عدم همساختی و تعامل کیفی فضا با رفتارهای زیستی اتفاق افتاده‌است. قرارگیری رفتارها در دایره مکان نشیمن متوسط است و این نشان می‌دهد که در کل رفتارهای نشیمن، شاخصه مکان‌بودن را کم‌تر در خود گردآورده‌اند. به‌طور کلی رفتارها در نشیمن به مبلمان اتصال بیشتری دارند تا به فضا و لذا مبلمان‌محوربودن رفتارها مشهودتر است. در کل کاربران و باشندگان فضای نشیمن ذکر کرده‌بودند که فضای نشیمن تا ایده‌آل فاصله دارد و به‌طور مثال دارابودن منظر در فضای نشیمن را به عنوان خلأ فضا ذکر کرده‌بودند.

دورهم نشستن (A1): قرارگاه رفتاری دورهم نشستن در فضای نشیمن هر روز رخ می‌دهد. این قرارگاه شامل ۷ رفتار به وقوع‌پیوسته در فضای نشیمن است که هر یک به نوعی جنبه دورهم نشستن را متذکر می‌گردند. کاربران این قرارگاه رفتاری، کلیهٔ اعضای خانواده را شامل می‌گردد. میزان احتمال وقوع و تعداد الگوهای مکان-رفتار و مدت زمان فعالیت، قرارگاه رفتاریِ دور هم نشستن را به مهم‌ترین و فعال و پویاترین قرارگاه رفتاری در نشیمن تبدیل کرده است. طبق نتایج، همساختی مبلمان در این قرارگاه رفتاری در پاسخ‌دهی به رفتارها، نسبت به همساختی معماری فضا نقش بیشتری را داراست و لذا اصطلاحاً یک قرارگاه رفتاری مبلمان‌محور بشمار می‌رود. همچنین با توجه به امتیاز به‌دست‌آمده در شاخص محدوده مکانی به نسبت شاخص محدوده زمانی، این قرارگاه رفتاری مکان‌محور یا مکان‌مند بشمار می‌رود.

پذیرایی از مهمانان (A2): این قرارگاه رفتاری معمولا هر چند روز اتفاق می‌افتد. میزان همساخت موجود بین رفتار و ظرف کالبدی نشانگر مبلمان‌محور و فضا محوربودن فعالیت پذیرایی از مهمانان، و استقبال و مشایعت از مهمانان است. این بدان معنی است که این رفتار با وجودی که نقش مبلمان در آن وجود دارد اما همزمان نقش فضا نیز بر چهره رفتار مشهود است. همچنین بدان سبب که عامل زمان در وقوع این رفتار نقش اصلی را داراست، زمان‌محوربودن رفتارها شاخص است. و دایره مکانی رفتار پذیرایی از مهمان، فراتر از نشیمن است.

صرف صبحانه، نهار، شام (A4, A3, A6): این قرارگاه‌های رفتاری هر کدام از یک الگوی مکان-رفتار تشکیل گردیده و هر روز و بصورت مبلمان محور رخ می‌دهند. مبلمان مورد استفاده در این قرارگاه‌های رفتاری بشکل میز و صندلی غذاخوری می‌باشد و یا با پهن کردن سفره بر روی زمین صورت می‌گیرد. قرارگاه‌های مذکور دارای محدوده زمانی کاملاً مشخص و بصورت زمان‌محور می‌باشند. این بدان معناست که با وجودی که با قراردادن مبلمان‌های ثابت مانند میز نهارخوری، امروزه سعی در اتصال زیاد این رفتار با مکان وقوع آن داریم اما ارتباط این رفتار از دایره مکانی فضاها فراتر است و احتمالا بدین معناست که دلخواه افراد در وقوعش، وسعت بیشتر مکانی در خانه را طلب می‌کند. الگوی مکان-رفتار صرف صبحانه در این قرارگاه احتمال رخداد کم‌تری داشته و احتمالی است.

خوابیدن (A5): براساس نتایج پژوهش، بسیاری از کاربران به خوابیدن در فضای نشیمن و حتی بر روی زمین تمایل دارند. این رفتار مبلمان‌محور و زمان‌محور بوده و بخصوص در موقع بعدازظهر اتفاق می‌افتد. در برخی موارد نیز فضای نشیمن به عنوان قرارگاه خوابیدن در شب مشخص شده که علت این امر کمبود تعداد اتاق‌های خواب، ذکر گردیده، اما اکثر مواقع قرارگاه خوابیدن در فضای نشیمن در هنگام بعدازظهر به وقوع می‌پیوندد. طبق نتایج پژوهش، این رفتار با فضای نشیمن، همساخت مناسبی ندارد و کاربران با وجود آن در فضای نشیمن مخالفند. این قرارگاه نیز با قرارگاه‌های دیگر نشیمن مانند دور هم نشستن و تماشای تلویزیون همساختی ندارد. دیگر قرارگاه‌های احتمالی نیز شامل صرف صبحانه، عبادت کردن، رسیدگی به گیاهان و... می‌باشد. عدم همساختی این گونه رفتارها با فضا و عدم رضایت در وقوع آن می‌تواند به دلیل تداخل رفتارهای تماشای تلویزیون با اینگونه رفتارهای خلوت باشد. و لذا عدم غنای فضایی نشیمن را تا حدودی مشهود می‌نماید. چرا

که این فضا نتوانسته طیف‌های رفتارهای مختلف را در گستره فضای خود جای دهد و به‌طور مثال سر و صدای زیاد تلویزیون به خوابیدن یا عبادت کردن در این فضا لطمه می‌زند. عدم وجود نهاز و نخیرها در این فضا می‌تواند در ایجاد چنین مسائلی نقش داشته‌باشد.

۴-۲. قرارگاه‌های رفتاری در آشپزخانه

طبق جدول (۵)، فضای آشپزخانه به عنوان مهم‌ترین فضای خدماتی خانه، با میزان همساخت بالای رفتار با مبلمان، در عین حال همساخت نسبتا بالای فضا، جایگاه ویژهٔ مبلمان و وسائل در این فضا را مشهود می‌نماید. طبق نظر باشندگان فضای آشپزخانه، مبلمان در فضای آشپزخانه به عنوان وسایل کاربردی زندگی، تا حدود بیشتری به عنوان دستاورد فرهنگی شناخته می‌شود و به همین دلیل نسبت همساختی آن با فضا نیز بالاست. این فضا بالاترین سطح زمان‌محوری نسبت به دیگر فضاها را به دلیل دارابودن بازه زمانی مشخص برای فعالیت‌های خدماتی همچون پخت و پز، شست و شوی ظروف و... در آشپزخانه، کسب نموده است. میزان همساختی و موافقت با انجام فعالیت‌های موجود در آشپزخانه نیز در بالاترین سطح نسبت به دیگر فضاها است. طبق اطلاعات جمع‌آوری شده، فضای آشپزخانه ۱۹ فعالیت متفاوت را در خود جای داده‌است که ۸ الگوی مکان-رفتار و ۵ قرارگاه رفتاری را شکل می‌دهند. فاصله این فضا تا ایده‌آل نسبت به دیگر فضاها کم‌تر است اما همچنان مطالباتی توسط کاربران در این زمینه وجود دارد.

آشپزی (B1): میزان بالای احتمال رخداد و الگوهای مکان-رفتار، این قرارگاه را به مهم‌ترین قرارگاه آشپزخانه در این پژوهش تبدیل‌کرده است. این قرارگاه هر روز در دو محدوده زمانی پیش از وقوع رفتار صرف شام و ناهار اتفاق می‌افتد. این قرارگاه طبق جدول (۵)، مکان‌مند بوده و محدوده مکانی آن امتیاز بالاتری را نسبت به محدوده زمانی کسب‌کرده است. لذا دایره مکانی وقوع این رفتار محدوده خاصی دارد، اما دایره زمانی آن بیشتر است. در ضمن این قرارگاه مبلمان‌محور قلمداد می‌گردد. اتصال رفتار آشپزی با مبلمان آن تا حدودی بیشتر است اما با دقت به داده‌های پژوهش، این امر مشهود است که مبلمان نیز با فضا تا حدود زیادی همساختی نشان می‌دهد.

شست‌وشوی ظروف (B2): این قرارگاه معمولا هر روز و پس از فعالیت پخت و پز و صرف غذا به‌وقوع می‌پیوندد. براساس نتایج به دست آمده در جدول (۵)، این قرارگاه زمان‌محور می‌باشد. طبق نظرات کاربران نکته حائز اهمیت در این قرارگاه، پیش‌بینی محل مناسب جهت جمع‌آوری ظروف کثیف و سپس شست و شو و نگهداری ظروف تمیز، می‌باشد. در ضمن هم‌جواری مناسب این قرارگاه با قرارگاه‌های آشپزی، صرف غذا و نوشیدنی برای تسهیل در رفتارها و ایجاد توالی مکانی مناسب، مطلوبیت فضا را افزایش می‌دهد. لذا فضای آشپزخانه، از این جهات از ایده‌آل باشندگان، فاصله دارد.

شست‌وشوی لباس (B3): مطابق جدول (۵)، این قرارگاه هفته‌ای یکبار و بیشتر پیش از ظهر و عصرها به وقوع می‌پیوندد. مطالبه وسائل و مبلمان مناسب در این قرارگاه برخاسته از کیفیت زمان‌محور و مبلمان‌محور آن است. وقوع این قرارگاه طبق نظر کاربران، بینابینی است و این بدان معناست که کاربران خواستار ساماندهی این قرارگاه در فضای آشپزخانه هستند. لذا به نظر می‌رسد در نظرگرفتن مکان سامان‌یافته‌تری برای شست‌وشو و گردآوری و خشک نمودن لباس‌ها در طرح‌های آتی، به بهترشدن آن کمک می‌نماید.

صرف نوشیدنی (B4): این قرارگاه متشکل از چندین رفتار و دو الگوی مکان-رفتار است که براساس داده‌های هم‌ساختی، فضامحور بوده و نسبت محدوده مکانی بیشتر آن، مکان‌مندی او را افزایش داده‌است. براساس نظر کاربران، ایجاد فضایی آرامش‌بخش با نور و منظری درخور که تعاملی مستقیم یا غیرمستقیم با طبیعت داشته‌باشد در کیفیت این فضا تأثیر مثبت خواهد داشت و مطالبه

جدول ۵- قرارگاه رفتاری در فضای آشپزخانه.

آشپزخانه B		قرارگاه‌های اصلی											قرارگاه‌های احتمالی		نتیجه کلی در فضا
		B۱			B۲	B۳	B۴					B۵	B۶	B۷	
		پخت و پز	آماده سازی مواد غذایی	شستوشوی مواد غذایی	شستوشوی ظروف	شست و شوی لباس	آماده کردن نوشیدنی‌ها	صرف نوشیدنی	دور هم نشستن و گفتوگو	صرف میان وعده	گوش دادن به موسیقی یا رادیو	صرف صبحانه	صرف نهار	صرف شام	
		b24	b23	b22	b21	b26	b25	b4	b1	b5	b17	b6	b7	b8	
سؤال	احتمال رخ داد	٪۹۵	٪۹۳	٪۹۰	٪۹۵	٪۷۴	٪۹۳	٪۶۰	٪۵۲	٪۳۸	٪۳۳	٪۷۱	٪۵۰	٪۳۸	
A	محدودهٔ زمانی	۴٫۴۶	۴٫۵۱	۴٫۳۹	۴٫۶۶	۴	۴٫۲۳	۴٫۵۰	۴٫۳۴	۴٫۴۴	۴٫۱۸	۴٫۲۸	۴٫۳۳	۴٫۰۶	۴٫۳
B	توالی رویدارد	۴٫۷۹	۴٫۶۷	۴٫۳۷	۴٫۸۸	۳٫۲۸	۴٫۴۶	۴٫۳۸	۴٫۳۹	۴٫۱۹	۳٫۸۶	۴٫۷۰	۴٫۵۷	۴٫۴۷	۴٫۴
C	موافق بودن با وقوع	۴٫۶۷	۴٫۶۹	۴٫۵۸	۴٫۴۸	۳٫۳۹	۴٫۵۴	۴٫۲۹	۴٫۲۶	۴٫۳۵	۴٫۱۵	۴٫۶۳	۳٫۶۸	۳٫۵۶	۴٫۳
D	مکان‌مند بودن	۴٫۷۶	۴٫۶۴	۴٫۵۲	۴٫۷۶	۳٫۶۹	۴٫۶۴	۲٫۹۸	۲٫۶۲	۱٫۹۰	۱٫۶۷	۳٫۵۷	۲٫۵۰	۱٫۹۰	۳٫۴
E	همساخت با فضا	۴٫۲۱	۳٫۹۳	۴٫۲۰	۴٫۲۱	۳٫۳۵	۴٫۳۲	۳٫۶۳	۳٫۸۷	۳٫۷۶	۳٫۱۵	۳٫۵۷	۳٫۵۵	۳٫۲۵	۳٫۸
F	همساخت با مبلمان	۴٫۲۴	۴٫۲۴	۴٫۱۰	۴٫۱۰	۴٫۱۳	۴٫۵۶	۳٫۳۳	۳٫۷۰	۳٫۲۴	۲٫۲۳	۳٫۷۰	۳٫۹۱	۳٫۴۴	۳٫۸

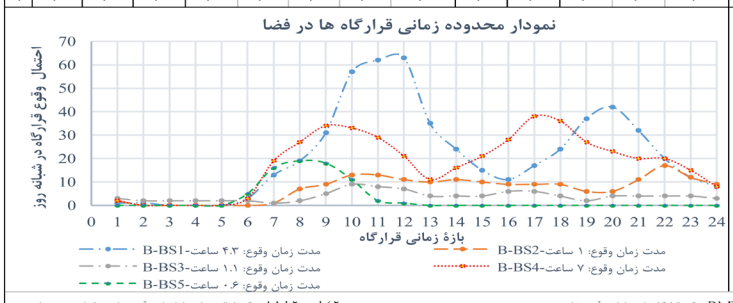

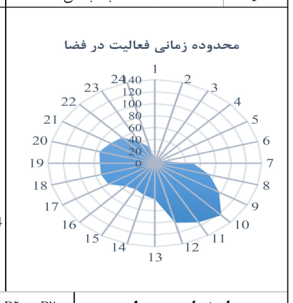

راهنمای جدول: B۱,B۲,...,B۷ کد قرارگاه‌های رفتاری آشپزخانه — b۱,b۲,...,b۴۲ کد فعالیت‌ها و رفتارها در آشپزخانه بر اساس پرسشنامه

چنین کیفیتی توسط باشندگان مشاهده شد.

صرف صبحانه، نهار، شام (B7, B6, B5): رفتارها در این سه قرارگاه، به دلیل وجود زمان مشخص برای صرف غذا، زمان‌محور می‌باشند. در ضمن این قرارگاه‌ها مبلمان‌محور قلمداد شده و توجه به تمهیدات زمانی برای صرف صبحانه و یا شام همچون توجه به نور و هوای مطلوب در این قرارگاه یاری‌رسان است. البته لازم به ذکر است که صرف صبحانه شاخصه‌های مکان-رفتاری بالایی در این قرارگاه دارد و صرف نهار و شام چنین شاخصه‌هایی را دارا نمی‌باشند، لذا به نظر می‌رسد تمهیداتی جهت ساماندهی این رفتار جهت تنظیم شاخصه‌های این قرارگاه در طراحی لازم است.

۴-۳. قرارگاه‌های رفتاری اُتاق خواب

اتاق خواب به عنوان خصوصی‌ترین لایه‌ی فضایی هر خانه قلمداد می‌گردد. طبق بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر مطابق با جدول (۶)، ۲۳ فعالیت متفاوت در اتاق خواب شکل‌دهنده‌ی ۱۰ الگوی مکان-رفتار و ۶ قرارگاه رفتاری ثبت شده است. زمان‌محوربودن این فضا در پژوهش مشهود شده است. به دلیل تنوع کم فعالیت‌ها، خصوصی‌بودن و تک‌کاربربودن قرارگاه‌ها، میزان «موافق‌بودن با وقوع رفتارها» و «همساخت با مبلمان و فضا» در فضای اتاق در جایگاه نخست در بین دیگر فضاها قرار دارد.

مطالعه‌کردن(E1): این قرارگاه معمولا هر چند روز یک بار اتفاق می‌افتد و بیشترین احتمال رخداد در بین قرارگاه‌های اتاق را داراست. در این قرارگاه مبلمان نقش بیشتری در پاسخ‌دهی به رفتارها دارد. حضور تک الگوی مکان-رفتارِ شکل‌دهنده به این قرارگاه به همراه مکان‌محور بودنش، متذکر این حقیقت است که این فعالیت نیازمند محدودیت‌های فضایی جهت وقوع است.

عبادت (E2): طبق جدول (۶)، این قرارگاه هر روز در سه بازه‌ی زمانی مشخصِ صبح، ظهر و شب به وقوع می‌پیوندد و کاربران با وقوع آن در فِضا کاملاً موافق‌اند. این قرارگاه زمان‌محور بوده و در همساختی با مبلمان و فضا تقریبا امتیاز یکسانی کسب کرده است. این شاخصه‌ها بدان معناست که حتی اگر فضا و مبلمان چندان مناسبی نیز فراهم نگردد، باز هم امکان وقوع این رفتار وجود دارد. در عین حال نشانگر آن است که مبلمان مورد استفاده در این رفتار، دستاوردی فرهنگی است چنانکه فضای آن نیز با مبلمان آن همساختی موزونی دارد. با اینحال این رفتار نیز با توجه به حضور تک الگوی مکان-رفتار نشان‌دهنده نیازمندی‌های اختصاصی است.

خوابیدن (E3): قرارگاه‌های خوابیدن و مطالعه کردن نسبت به دیگر قرارگاه‌های اتاق خواب، دارای احتمال رخداد بالاتری هستند و سهم بیشتری در فضا به خود اختصاص می‌دهند. با اینحال نام فضای اتاق‌خواب، بر اساس یکی از این قرارگاه‌ها جا افتاده است. این امر می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که از حوصله این پژوهش خارج است. قرارگاه خوابیدن بسیار زمان‌محور بوده و همساختی با فضا از همساختی با مبلمان در این قرارگاه بیشتر است. در این مورد نیز نتایج پژوهش بسیار متفاوت با ساختار ذهنی افراد نمایان شده و برعکس تصور همگان که تخت خواب را به عنوان عنصر اصلی اتاق قلمداد می‌نمایند، پژوهش حاضر نشان داد که مکان و فضا در این فعالیت نقش مؤثرتری دارند. بازه زمانی وقوع این قرارگاه به دو

جدول ۶- قرارگاه‌های رفتاری در فضای اتاق خواب.

اتاق خواب E		قرارگاه‌های اصلی													قرارگاه احتمالی	نتیجهٔ کلی در فضا
		E۱		E۲	E۳	E۴					E۵		E۶			E۷	
		مطالعه کردن	انجام تکالیف	عبادت کردن	خوابیدن	کار با کامپیوتر و لپ تاپ	انجام امور مربوط به حرفه	دور هم نشستن	صرف نوشیدنی	صرف میان وعده	استفاده از تلفن	گوش دادن به موسیقی یا رادیو	تعویض لباس	آماده شدن قبل از خروج	آماده سازی البسه	استحمام	
		e9	e10	e11	e31	e29	e30	e1	e4	e5	e13	e17	e28	e40	e27	e41	
سؤال	احتمال رخ داد	٪۹۸	٪۴۰	٪۶۹	٪۹۵	٪۷۹	٪۷۴	٪۵۰	٪۵۰	٪۴۳	٪۸۶	٪۶۲	٪۹۳	٪۷۴	٪۵۷	٪۳۱	
A	محدودهٔ زمانی	۴,۲۷	۴,۱۵	۴,۰۰	۴,۵۶	۳,۸۳	۴,۱۵	۳,۷۱	۴,۱	۴,۲۲	۳,۳۸	۳,۹۲	۳,۶۵	۴,۲۶	۳,۹۶	۳,۳۸	۴
B	توالی رویدارد	۴,۱۵	۴,۰۶	۴,۸۷	۴,۹۸	۴,۶۳	۴,۰۰	۲,۹۵	۴,۳	۴,۲۸	۴,۷۴	۴,۳۷	۴,۷۸	۴,۸۵	۳,۸۴	۴,۳۱	۴,۳
C	موافق بودن با وقوع	۴,۵۴	۴,۵۹	۴,۵۷	۴,۸۰	۴,۵۴	۴,۳۱	۳,۹۰	۴,۲	۴,۲۹	۴,۱۳	۴,۳۶	۴,۶۵	۴,۷۳	۳,۸۸	۴,۵۳	۴,۴
D	مکان‌مند بودن	۴,۸۸	۲,۰۲	۳,۴۵	۴,۷۶	۳,۹۳	۳,۶۹	۲,۵۰	۲,۵	۲,۱۴	۴,۲۹	۳,۱۰	۴,۶۴	۳,۶۹	۲,۸۶	۱,۵۵	۳,۳
E	همساخت با فضا	۳,۷۲	۳,۷۱	۳,۸۰	۴,۴۹	۳,۷۱	۳,۶۹	۳,۴۸	۳,۵	۳,۷۸	۳,۹۳	۳,۸۲	۳,۸۵	۴,۰۳	۳,۴۰	۴,۱۴	۳,۸
F	همساخت با مبلمان	۳,۹۰	۴,۲۴	۳,۸۶	۴,۳۹	۳,۹۱	۳,۸۴	۳,۳۸	۳,۳	۳,۴۴	۴,۰۳	۳,۷۱	۴,۹۵	۳,۹۴	۳,۵۲	۴,۰۷	۳,۹

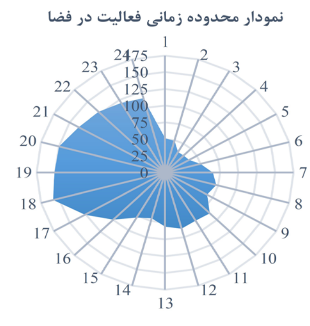

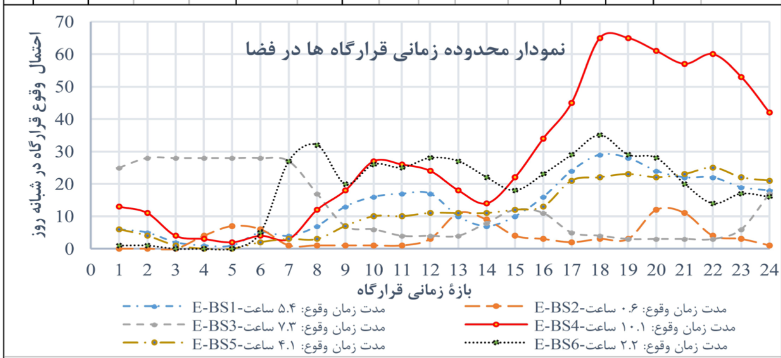

راهنمای جدول: E۱,E۲,...,E۷ کدقرارگاه‌های رفتاری اتاق خواب — e۱,e۲,...,e۴۲ کد فعالیت‌ها و رفتارها در اتاق خواب بر اساس پرسشنامه

قسمت خواب شب و خواب روز (بعد از ظهر) تقسیم می‌گردد که خواب روز در پژوهش حاضر در مکان‌های دیگر چون فضای نشیمن نیز به وقوع می‌انجامد و شاید علت اصلی این امر همان مطالبه آسایش اقلیمی در روز در مکان خوابیدن باشد.

انجام امور مربوط به حرفه (E4): این قرارگاه مبلمان‌محور، و به‌طور معمول هر چند روز یک‌بار و بیشتر در موقع عصر تا شب به وقوع می‌پیوندد. با توجه به شرایط خاص جامعه‌ی آماری، این قرارگاه سهم بسزایی از فعالیت‌های جاری در فضای اتاق را به خود اختصاص داده‌است و احتمال می‌رود که در دیگر خانه‌ها کم‌تر مشهود شود. اما شناخت این قرارگاه بسیار کمک‌کننده است و پژوهش نشان می‌دهدکه شاخص محدوده‌ی زمانی در این قرارگاه نسبت به محدوده‌ی مکانی در سطح بالاتری قرار دارد.

استفاده از تلفن همراه (E5): امروزه استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند بحدی فراگیر شده که طبق نتایج حاصل از این پژوهش، دارای قرارگاه مخصوص به خود با احتمال رخداد ۸۶٪ گردیده است. مطابق بازه‌های زمانی ثبت شده در جدول (۶)، این قرارگاه در طول کل روز و بیشتر در شب هنگام روی می‌دهد. گوش دادن به موسیقی نیز فعالیتی همراه با استفاده از تلفن همراه است و همساختی مناسبی با آن نشان می‌دهد. در این قرارگاه شاخص همساخت با مبلمان تقریباً برابر با شاخص همساخت با فضا است. این امر خود نشانگر آن است که با وجودی که تلفن همراه بیشتر یک دارایی اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود و در کل وسیله‌ای قابل‌حمل می‌باشد اما مطالبه‌گری کاربران و باشندگان نسبت به فضای وقوع آن، نقش مهمی ایفا می‌نماید.

آماده‌سازی و تعویض لباس (E6): قرارگاه آماده‌سازی و تعویض لباس دارای سه الگوی مکان-رفتار با احتمال رخداد بالا است. که به‌طور معمول در سه بازه‌ی صبح، ظهر و عصر واقع می‌گردد. در این قرارگاه همساختی با مبلمان بیشتر از همساختی با فضا است. توجه به حالات مختلف بدن انسان در حین فعالیت به علت حرکتی‌بودن فعالیت‌ها در این قرارگاه ضروری است. قرارگیری قرارگاه مذکور در لایه‌های خصوصی‌تر فضا ودر ارتباط با قرارگاه استحمام، مکان‌یابی آن را بهینه می‌نماید.

۴-۴. قرارگاه‌های رفتاری فضاهای نیمه باز

در فضاهای نیمه باز ۲۷ فعالیت شناسایی شده و این خود نمایانگر تنوع در طیف رفتارها و نیاز به انعطاف‌پذیری فضاهاست. اما از میان این تعداد فعالیت تنها یک فعالیت به الگوی مکان-رفتار تبدیل شده است (جدول ۷). بنابراین توانمندی فضا در استقرار رفتارها در قرارگاه‌های رفتاری در وضع موجود بسیار پائین می‌باشد. به احتمال قوی، وجود عواملی همچون دید و اشراف و ابعاد نامناسب، کارایی فضاهای نیمه باز در مسکن امروزه ایران را کاهش می‌دهند. این فضا مبلمان‌محور می‌باشد؛ بنابراین توجه به مبلمان در طرح‌های آتی ضروریست. در مجموع کاربران با وقوع دیگر فعالیت‌های شناسایی‌شده در این فضا نیز کاملاً موافق هستند و این خود نمایانگر همساختی فعالیت‌ها درفضا می‌تواند باشد.

خشک‌کردن لباس‌ها (T1): این قرارگاه به‌عنوان تنها قرارگاه اصلی فضاهای نیمه باز زمان‌محور و مبلمان‌محور می‌باشد. از جمله نکاتی که کاربران برای این قرارگاه ذکر کرده‌اند، توجه به طراحی فضا و مبلمان در آن، مطالبه ارتباط نزدیک با قرارگاه شست‌وشوی لباس، توجه به عدم ایجاد صورت نامناسب در نمای ساختمان در هنگام آویزان کردن لباس‌ها و توجه به بهره‌گیری از نور و هوای مناسب برای خشک کردن لباس‌ها می‌باشد. از مهم‌ترین قرارگاه‌های احتمالی در فضاهای نیمه‌باز می‌توان به ترتیب به قرارگاه رسیدگی

جدول ۷- قرارگاه‌های رفتاری در فضای نیمه‌باز.

فضاهای نیمه باز T		قرارگاه اصلی	قرارگاه‌های احتمالی															نتیجه کلی در فضا
		T۱	T۲	T۳		T۴	T۵	T۶	T۷									
		خشک‌کردن لباس‌ها	رسیدگی به گل و گیاه	انجام برخی فرآسمان(پخت نذری و...)	پخت و پز	رسیدگی به پرندگان و یا حیوانات اهلی	استعمال دخانیات	مطالعه کردن	دور هم نشستن	شب نشینی	صرف نوشیدنی	پذیرایی از مهمانان	استفاده از تلفن همراه	موسیقی یا رادیو	صرف میان وعده	
		t35	t15	t34	t24	t14	t20	t9	t1	t32	t4	t3	t13	t17	t5	
سؤال	احتمال رخ داد	٪۷۰	٪۵۵	٪۳۳	۳۰٪	٪۳۰	٪۲۷	٪۱۸	٪۲۷	٪۲۷	٪۲۴	٪۱۸	٪۱۵	٪۱۲	٪۶	
A	محدودهٔ زمانی	۴،۰۴	۳،۶۹	۳،۶۴	۴،۰۳	۳،۴۵	۳،۲۸	۴،۵۰	۳،۹۴	۴،۳۹	۴،۰۰	۲،۸۳	۴،۲۰	۴،۱۳	۳،۲۵	۳،۸
B	توالی رویدارد	۳،۸۵	۳،۹۴	۱،۳۳	۳،۴۶	۳،۸۲	۳،۲۲	۲،۰۰	۳،۲۹	۲،۴۴	۲،۶۷	۱،۵۰	۳،۸۳	۲،۷۵	۳،۶۷	۳
C	موافق بودن با وقوع	۴،۰۴	۴،۸۹	۴،۲۷	۳،۶۲	۳،۶۷	۴،۰۰	۴،۱۷	۴،۶۰	۴،۵۶	۳،۷۸	۴،۲۰	۴،۰۰	۴،۵۰	۴،۰۰	۴،۲
D	مکان‌مند بودن	۳،۴۸	۲،۷۳	۱،۶۷	۱،۵۲	۱،۵۲	۱،۳۶	۰،۹۱	۱،۳۶	۱،۳۶	۱،۲۱	۰،۹۱	۰،۷۶	۰،۶۱	۰،۳	۱،۴
E	همساخت با فضا	۳،۳۲	۳،۵۶	۳،۷۳	۳،۱۱	۲،۷۸	۴،۱۱	۳،۵۰	۴،۰۰	۴،۳۳	۳،۷۸	۳،۸۰	۳،۲۹	۳،۷۵	۴،۳۳	۳،۷
F	همساخت با مبلمان	۳،۶۸	۳،۹۴	۳،۰۰	۳،۵۱	۳،۲۲	۲،۳۳	۲،۵۰	۳،۹۰	۳،۲۲	۳،۶۷	۳،۰۰	۲،۵۷	۲،۵۰	۳،۶۷	۳،۲

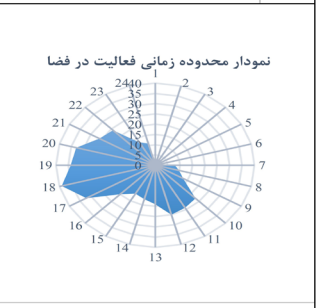

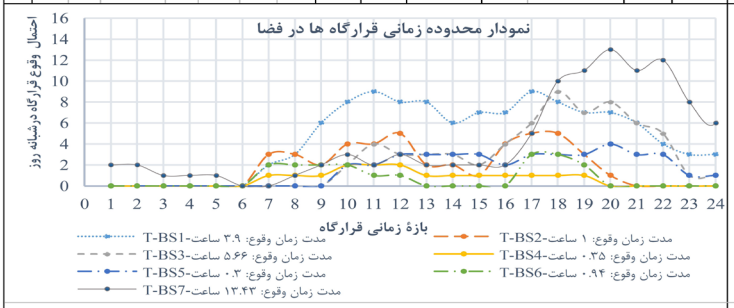

راهنمای جدول

T۱,T۲,...,T۷ کد قرارگاه‌های رفتاری در فضاهای نیمه‌باز

t۱,t۲,...,t۴۲ کدفعالیت‌ها و رفتارها در فضاهای نیمه‌باز بر اساس پرسشنامه

به گل و گیاه، پخت وپز، رسیدگی به پرندگان و حیوانات اهلی، استعمال دخانیات، مطالعه‌کردن و دورهم نشستن اشاره نمود.

۴-۵. قرارگاه‌های رفتاری حیاط

حیاط خصوصی به عنوان یک فضای شاخص در فرهنگ‌خانه‌های ایرانی از فضاهای پرکاربرد محسوب شده که مورد پسند خانواده‌های ایرانی و شیرازی است. اما با توجه به پژوهش حاضر مشخص گردید که وجود دید و اشراف زیاد به حیاط خصوصی، نوعی فشار محیطی را در حیاط ایجاد می‌نماید که امکان وقوع فعالیت‌های متنوع در آن کاهش می‌یابد. با این‌حال وجود آن جزء ایده‌آل‌های اصلی کاربران محسوب می‌شود. در این فضا ۳۰ رفتار شناسایی شده که تنها ۲ رفتار بصورت الگوی مکان-رفتار جای گرفته در دو قرارگاه رفتاری مجزا نمود یافتند (جدول ۸). این آمار نشانگر آن است که با وجود امکان تنوع بسیار بالای رفتارها در حیاط، اما به دلیل مسائل مختلف تنها دو رفتار شاخصه‌های قرارگاه را کسب کرده‌اند و دیگر رفتارها حداقل یکی از شاخص‌های قرارگاه رفتاری را به دست نیاورده‌اند. طبق جدول (۸)، کاربران با وقوع کلیهٔ قرارگاه‌های اصلی و احتمالی کاملاً موافق می‌باشند. رفتارها در حیاط در سطح پائینی از مکان‌مندی قرار دارند؛ اما سطح مناسبی ازهمساختی با فضا و مبلمان را دارا هستند. در عین حال همساختی با فضا در محیط حیاط، کیفیت درخورتری به آن می‌دهد. طبق داده‌های به دست‌آمده مشهود است که بخش اعظمی از فعالیت‌های مفرح در حیاط که با ساختار فرهنگی مردم شهر شیراز، هماهنگ است، شاخصه‌های مکان-رفتار را کسب نکرده‌اند و هر کدام از جهتی دچار مشکل برای وقوع هستند. لذا فاصله این فضا با ایده‌آل رفتاری زندگی مردم شیراز، کاملاً مشهود است و رسیدگی به آن بسیار اهمیت دارد.

رسیدگی به گل و گیاه (H1): این قرارگاه مهم‌ترین قرارگاه حیاط با بیشترین میزان احتمال وقوع و موافقت کاربران با وجود آن می‌باشد. این قرارگاه زمان‌محور بوده و سطح مطلوبی از همساختی با فضا و مبلمان را داراست. در مکان‌یابی و طراحی این قرارگاه، توجه به نکات اقلیمی، نحوه‌ی ارتباط فضای سبز با فضاهای درونی خانه و انتخاب گیاهان متناسب ذکر گردیده‌است.

پارک‌کردن خودرو (H2): این قرارگاه با یکسانی تقریبی شاخص محدودهٔ زمانی و «مکانی، دومین قرارگاه اصلی حیاط را شامل می‌گردد.» میزان توافق با وجود قرارگاه بصورت بینابین می‌باشد و همساخت کمی با فضا دارد؛ از همین‌رو کاربران خواستار کنترل آن درحیاط هستند. از جمله مهم‌ترین قرارگاه‌های احتمالی در حیاط می‌توان به ترتیب به قرارگاه رسیدگی به پرندگان و حیوانات اهلی (H3)، سرویس و نظافت خودرو (H4)، خشک کردن لباس‌ها (H5)، بازی کودکان (H6)، صرف شام (H7)، خوابیدن (H8) و دورهم نشستن (H9) اشاره نمود.

۵- جمع‌بندی و تحلیل

با وجودی که تقریبا دو گونه خانه حیاط‌دار و آپارتمانی به نسبت تقریبا مساوی در پژوهش موجود بود اما در بررسی پرسشنامه‌ها و تطابق آنها با نقشه‌ها دریافتیم که قرارگاه رفتاری گرچه مجرد از گونه مسکن نیست اما فرای آن نیز معنا دارد، یعنی تشابه قرارگاه ها در گونه‌های رفتاری مختلف موجب شد تا پی به یک نقشه شناختی مشترک در قرارگاه رفتاری شیرازی‌ها ببریم. این امر می‌تواند از آن ناشی شود که این مردم پیشتر در یک سری خانه‌های مشابه حیاط مرکزی زیست کرده‌اند و اکنون زندگی دیگری اتخاذ کرده‌اند لذا هنوز آن روال خاص زندگی هست مثلاً گاهی یک بالکن به درستی نقش یک زیرزمین قدیم را بازی می‌کرد در حالی که در نگاه طراحان، برای این مهم طراحی نشده بود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای رفتاری همانندی در فضاهای همسان خانه‌ها و واحدهای مسکونی متفاوت وجود دارد که می‌توان آنها را به دسته‌های محدود و معینی گروه‌بندی کرد و شبکه رفتارها و الگوهای مکان-رفتار و قرارگاه‌های رفتاری ویژه‌ای را

جدول ۸- قرارگاه‌های رفتاری در فضای حیاط.

حیاط H		قرارگاه‌های اصلی		قرارگاه‌های احتمالی									نتیجه کلی در فضا
		H۱	H۲	H۳	H۴	H۵	H۶	H۷	H۸	H۹			
		رسیدگی به گل و گیاه	پارک کردن اتومبیل	رسیدگی به پرندگان و یا حیوانات اهلی	سرویس و نظافت خودرو	خشک کردن لباس	بازی کودکان	صرف شام	خوابیدن	دور هم نشستن	پذیرایی از مهمانان	صرف نوشیدنی	مهمان	استقبال با صمیمیت	شب نشینی	استعمال دخانیات	صرف میان وعده	
		h15	h36	h14	h37	h35	h16	h8	h31	h1	h3	h4	h38	h32	h20	h5		
سؤال	احتمال رخ داد	٪۶۹	٪۶۵	٪۲۳	٪۴۲	٪۴۶	٪۴۲	٪۲۷	٪۲۳	٪۳۸	٪۳۵	٪۳۵	٪۳۵	٪۳۱	٪۲۷	٪۱۹		
A	محدودهٔ زمانی	۴،۳۶	۳،۳۲	۳،۲۵	۳،۴۵	۴،۴۶	۳،۵۹	۴،۳	۴،۳	۴	۳،۶	۴،۲	۳،۱	۴،۱	۲،۴	۴،۰۰	۳،۸	
B	توالی رویدارد	۳،۸۹	۴،۷۴	۴،۵۰	۲،۰۰	۳،۵۸	۲،۷۵	۲،۷	۳،۱	۳،۵	۱،۶	۳،۷	۲	۲،۲	۳،۱	۴،۰۰	۳،۲	
C	موافق بودن با وقوع	۴،۷۸	۳،۳۸	۴،۰۰	۳،۲۰	۳،۷۵	۴،۶۷	۴،۷	۴،۶	۴،۹	۴،۶	۴،۷	۳،۷	۴،۲	۳،۱	۵،۰۰	۴،۲	
D	مکان‌مند بودن	۳،۴۶	۳،۲۷	۱،۱۵	۲،۱۲	۲،۳۱	۲،۱۲	۱،۳	۱،۱	۱،۹	۱،۷	۱،۷	۱،۷	۱،۵	۱،۳	۰،۹۶	۱،۸	
E	همساخت با فضا	۴،۳۳	۲،۵۰	۳،۳۳	۲،۶۷	۳،۶۷	۴،۶۷	۴	۴	۴،۵	۴،۳	۳،۱	۳،۳	۳،۹	۳،۷	۴،۲۰	۳،۷	
F	همساخت با مبلمان	۴،۲۲	۲،۶۱	۴،۰۰	۲،۶۷	۳،۸۳	۴،۰۸	۳،۶	۴	۳،۸	۳،۶	۳،۵	۳،۱	۳،۷	۳،۲	۳،۶۰	۳،۶	

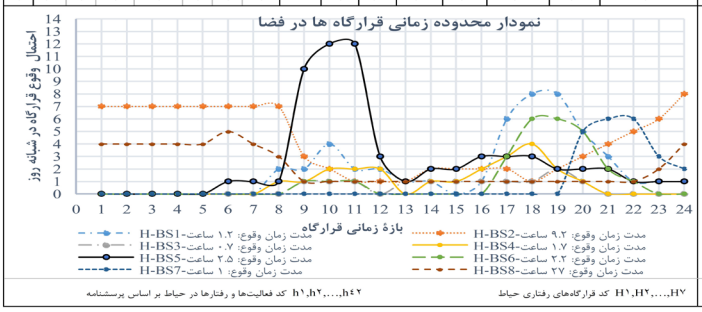

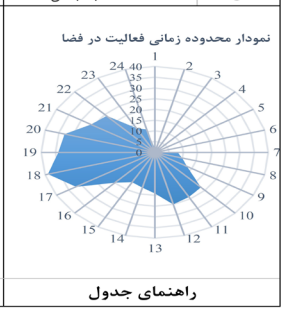

راهنمای جدول

H۱,H۲,...,H۷ کد قرارگاه‌های رفتاری حیاط

h۱,h۲,...,h۴۲ کد فعالیت‌ها و رفتارها در حیاط بر اساس پرسشنامه

تعیین نمود. این طبقه‌بندی بر اساس ویژگی‌های قرارگاه‌های رفتاری همچون احتمال رخداد، هم‌زمانی، هم‌مکانی، همساختی و موافقت با حضور فعالیت تعیین گردیده‌است (جدول ۹). پس از شناخت این قرارگاه‌ها و الگوهای مکان-رفتار، می‌توان الگوهای مکان-رفتار اخلال‌گر، متداخل، بینابینی را مشخص و تعیین کرد و براساس شناخت رفتارهای احتمالی به ساماندهی رفتار در فضای مورد نظر همت گمارد. این شناخت می‌تواند رفتارها را در فضا به‌گونه‌ای اصلاح کند که همساختی رفتارها و همگنی آن‌ها با هم بیشتر شود و در نهایت فضای رفتاری درخوری را ایجاد نماید که میزان تعاملات فضایی افراد را در عین حفظ حریم‌های رفتاری و تفکیک مرزها و محدوده‌های زمانی صیانت و حفظ نماید. این پژوهش به خوبی کمک می‌نماید تا فهم و درک واقعی و حقیقی (ایده‌آل) نسبت به شبکه رفتارها اتفاق افتد و تفکر صحیح طراحی با توجه به شناخت نیازها و هدایت مطلوب خواست‌ها و ارزش‌ها به شکل‌دهی فضاهای درخور نقش‌ها و عملکردها بیانجامد. این پژوهش سهم رفتارها در فضاها را مشخص کرده و ویژگی‌های آن را شاخص می‌نماید و بدین طریق امکان بررسی و تحلیل را ممکن می‌کند.

فرم و میزان پاسخگویی فضای معماری به رفتارها در هر یک از واحدهای مسکونی متفاوت و در بین فضاهای مختلف یک واحد مسکونی نیز قابل مشاهده است. طبق یافته‌های پژوهش بیشترین نسبت تعداد الگوهای مکان-رفتار به تعداد کل رفتارها در فضاهای مختلف مسکن به ترتیب در اتاق خواب، آشپزخانه، نشیمن، حیاط و فضاهای نیمه باز وجود دارد (جدول ۹). این شاخص، کمیت قرارگاه‌های‌رفتاری موجود در فضاهای مسکن را نشان می‌دهد. شاخص کمیت در برخی فضاها همچون فضاهای نیمه‌باز و حیاط، کم‌ترین میزان را داراست و این بدان سبب است که در عین ممکن‌بودن رفتارهای متفاوت در آن‌ها اما زمینه وقوع رفتارها اندک است و درصد کمی از رفتارها در ویژگی‌های قرارگاه رفتاری می‌گنجد. در واقع توجه به طراحی این فضاها به علت پاسخ دهی پایین‌اشان به رفتارها ضروری است. در عین اینکه کمیت حضور رفتارها در فضاها، نیازمند رسیدگی است اما از نظر کیفی، فضاهای مختلف دارای شاخصه‌های درخوری هستند. به گونه‌ای که همساختی رفتار با فضا در کلیه فضاها نسبتاً بالاست و تنها در فضای نشیمن همساختی با مبلمان از همساختی فضایی پیشی گرفته و با آن موازنه می‌نماید. در فضای آشپزخانه مبلمان و فضا همساختی یکسانی دارند و لذا اتصال و تعامل با فضا از یک سو و تعامل با مبلمان و ابزار زندگی از سوی دیگر، نشانگر ارتباط متعادل فرهنگی رفتارها در این فضاست. در دیگر فضاهای بسته چون اتاق خواب و نشیمن این وزن ارتباط با مبلمان غالب بر ارتباط با فضاست. اما در فضاهای باز با وجودی که میزان رفتارهای اندکی به وقوع می‌پیوندد اما همساختی با مبلمان مغلوب همساختی با فضا می‌شود و نقش فضا در شکل‌دهی به رفتارها مشهودتر است. به همین دلیل شاید بتوان گفت که فضاهای بسته و باز دارای دو جلوه متفاوت رفتاری هستند که می‌توانند قرارگاه‌های رفتاری زندگی را به هم پیوسته نمایند. شاید به همین دلیل است که این دو فضا معمولا در امتداد هم معنا می‌یابند، چرا که زیست جاری در رفتارها در دو جلوه متفاوت در آنها به وقوع می‌پیوندد. در ضمن معمولاً دایره زمانی وقوع رفتارها، محدوده بیشتری در فضاها به خود اختصاص می‌دهند تا محدوده مکانی رفتارها. لذا می‌توان چنین استنتاج کرد که دایره مکانی وقوع رفتارها معمولا در فضاهای مسکن گسترده‌تر است و به تبع آن مرزهای قلمروها در زندگی مردم شیراز چندان ثابت نیست و به راستی مرزها در قرارگاه‌های رفتاری در یک فضا و حتی در فضاهای مختلف و سینومورف[۲۷]های مختلف تا حدود زیادی در هم تنیده نشان داد. از نقشه‌هایی که کاربران از فضاها ترسیم کردند مشهود بود که مرزها چندان صریح نیستند. شاید مرز قرارگاه‌های رفتاری زندگی این مردمان نیازمند تعریف درخورتر و دیگری است.

احتمالا داشتن مرزهای منعطف جهت جبران کمبود فضاها در تأمین قرارگاه رفتاری بتواند با سینومورف‌شدن با اتاق یا فضای کناری دستگاه زیستی را غنی‌تر نماید. و ارگان واحدتری برای زندگی ایجاد نماید.

از دیگر نتایجی که می‌توان از این پژوهش گرفت، شناخت رفتارهای مداخله‌گر در فضاها، ضعف الگوهای مکان-رفتار و... می‌باشد که با توجه به تصویر (۲) در فضای نشیمن بیان می‌گردد و برای دیگر فضاها، تنها به صورت نوشتاری بیان می‌گردد. در فضای نشیمن، ۵ قرارگاه رفتاری اصلی و ۵ قرارگاه احتمالی وجود دارد که روی‌هم‌رفته ۱۰ قرارگاه را شکل می‌دهد. طبق تحقیقات انجام شده، مسائل و مواردی کیفی در این زمینه وجود دارد.

اولین موضوع *قرارگاه اخلال‌گر* می‌باشد. به‌طور کلی برخی

جدول ۹- نتایج کلی قرارگاه رفتاری در فضاهای مختلف مسکن.

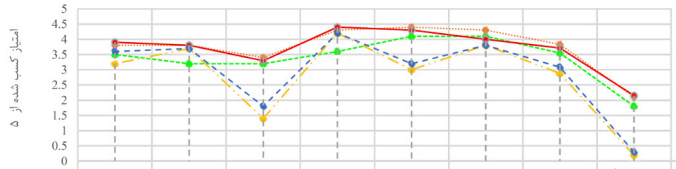

	همساخت با مبلمان	همساخت با فضا	مکانمندی	موافق بودن با وقوع	توالی رویدارد	محدودهٔ زمانی	مجموع سه شاخص اصلی قرارگاه ها (کیفیت قرارگاه ها)	نسبت تعداد الگوهای مکان-رفتار به رفتارها (کمیت قرارگاه ها)	تعداد کل رفتارها	تعداد کل الگوهای مکان-رفتار	تعداد کل قرارگاه های رفتاری
نشیمن	3.5	3.2	3.2	3.6	4.1	4.1	3.55	1.80	30	11	5
آشپزخانه	3.8	3.8	3.4	4.3	4.4	4.3	3.83	2.10	19	8	5
اتاق خواب	3.9	3.8	3.3	4.4	4.3	4	3.72	2.15	23	10	6
فضاهای نیمه باز	3.2	3.7	1.4	4.2	3	3.8	2.88	0.20	27	1	1
حیاط	3.6	3.7	1.8	4.2	3.2	3.8	3.08	0.30	30	2	2

رفتارها بخاطر اینکه شاخصه‌های زمانی و مکانی قرارگاه رفتاری را دارا می‌باشند، یعنی در مکان نشیمن و در زمان‌های متوالی تکرار شده‌اند، قرارگاه رفتاری تشکیل می‌دهند، اما قرارگاه رفتاری به وجودآمده قرارگاه اخلال‌گر هستند و طبق بررسی‌های انجام شده، هم‌ساختی مناسبی با کلیت فضای نشیمن ندارند. این رفتارها به‌طور معمول، به علت عادت‌واره‌شدن در فضای زندگی پدید می‌آیند. البته یکی از شاخصه‌های قرارگاه رفتاری، تکرار یک عادت‌واره رفتاری در مکانی خاص است. اما چنانچه از شاخصه‌های هم‌ساختی مشهود است، قرارگاه خوابیدن، نمونه‌ای است که به عنوان یک قرارگاه اخلال‌گر در نشیمن نمود کرده است. در واقع یک اخلال رفتاری دوسویه بین این قرارگاه و دیگر قرارگاه‌ها برقرار است و لذا هم حضور دیگر رفتارها موجب اخلال در این رفتارها می‌گردد و هم این قرارگاه، موجب اخلال در دیگر قرارگاه‌ها چون قرارگاه دور هم نشستن و پذیرایی از مهمان و رفتارها و الگوهای مکان-رفتار همچون گوش کردن موسیقی، دور هم نشستن و گفتگو و تماشای تلویزیون و استقبال و مشایعت از مهمان، در این فضا می‌گردد. از این نمونه می‌توان قرارگاه احتمالی عبادت‌کردن را نیز مثال زد. حضور این گونه رفتارها تنها زمانی ممکن است که در زمان‌های مختلف نسبت به دیگر رفتارها اتفاق افتد و به صورت همزمان با دیگر رفتارها به وقوع نپیوندد. در طراحی فرم فضایی نشیمن، دو راه ممکن است و آن این‌است که یا برای این گونه رفتارها، فضایی خاص و طراحی‌شده در مکان نشیمن ارائه گردد و یا به صورتی محدودیت ایجاد گردد تا این رفتار از دسته قرارگاه‌های رفتاری فضا، حذف گردد.

بیان مفهوم اخلال‌گری هرگز بدان معنا نیست که رفتار نماز خواندن اخلال‌گر رفتار دورهم نشستن است. بلکه اصل گفتار این است که با وجود آنکه می‌توان شیرینی رفتارهای تعاملی در فضا را مزه کنیم، و تعامل شیرین میان اعضای خانواده مثل مادربزرگ و نوه را در هنگام نماز خواندن تجربه کنیم اما فضاهای ما وسعشان از این جهت اندک است و نیروهای درونی یک فضا بخشی از این الگوهای مکان-رفتار را پس می‌زنند. علت این امر آن است که هر کلی متشکل از اجزایی است و حضور هر جزء به‌طور کامل بر کل اثر دارد و لذا توجه بیش از اندازه به یک رفتار می‌تواند سیستم کل را به هم بریزد. بدین معنا که شاید ثابت قرار دادن رفتار تماشای تلوزیون در نشیمن بر دیگر رفتارهای دلخواه در فضای نشیمن اثر گذارده و کلیت رفتارها را در تعارض با هم و یا مختل‌کننده هم جلوه نموده. این امر در ارتباط بین فضا و انسان نیز مشهود است، عدم توجه به نهاز و نخیرها و گوشه و کنارهای موردنیاز رفتارها نیز می‌تواند دلیلی بر اختلال‌های قرارگاه‌های رفتاری برای هم باشد به گونه‌ای که یک کل متحد شکل نگرفته است.

به همان نسبت، در فضای آشپزخانه قرارگاه *صرف میان‌وعده* به عنوان قرارگاه نسبتا اخلال‌گر بروز می‌نماید و نیاز به تمهیداتی در زمان و یا مکان وقوع این قرارگاه در طراحی فضای آشپزخانه هست. تمهیداتی چون جداسازی، فضاسازی ویژه و یا غیرهم‌زمان نمودن فعالیت‌ها از نیازهای طراحی قرارگاه رفتاری در این فضاست تا بتواند کلیت فضایی غنی و درخوری ایجاد گردد. گرچه صرف میان‌وعده در آشپزخانه اتفاق می‌افتد اما احتمالاً به دلیل درخواست‌های کیفی این رفتار از فضا که پیشتر ذکر شد، همچون ایجاد فضایی آرامش‌بخش با نور و منظری درخور در تعاملی مستقیم یا غیرمستقیم با طبیعت موجب شده که این رفتار دچار اختلال گردد و نیازمندی‌های وقوع رفتاری خود را کم‌تر کسب نماید. دور هم نشستن به هر بهانه‌ای همچون صرف میان‌وعده نیازمند شاخصه‌های کیفی است که شاید آشپزخانه‌های امروزی به دلیل توجه به دیگر موارد چون جلوه و نمایش ابزار آشپزخانه، نتوانسته‌اند آن را تأمین نمایند.

در فضای اتاق خواب به علت اینکه معمولا فضا تک‌نفره است و رفتارها به‌طور همزمان اتفاق نمی‌افتد، در بررسی‌ها، قرارگاه اخلال‌گر مشهود نبوده‌است. اما در اتاق‌هایی با همین قرارگاه‌ها و الگوهای رفتاری که تعداد افراد استفاده‌کننده بیشتر از یک نفر گردد همچون خوابگاه‌های دانشجویی و...، به احتمال زیاد، قرارگاه اخلال‌گر مشهود می‌شود و نیاز به تمهیدات در این فضا افزایش می‌یابد. اما در مطالعات فضاهای مسکن در فرهنگ‌شهر شیراز به علت سبک و شیوه زندگی، در بررسی‌ها مشکلی گزارش نگردیده‌است.

در فضای حیاط دو قرارگاه رسیدگی به گل و گیاه و پارک ماشین، قرارگاه اخلال‌گر نسبت به هم هستند و نیاز به تمهیدات فضایی در طراحی این قرارگاه‌ها حس می‌گردد. البته در این فضا، برخی قرارگاه‌های احتمالی چون بازی و تفریح نیز با قرارگاه رسیدگی به گل و گیاه قرارگاه اخلال‌گر نسبت به هم محسوب می‌گردند و نیاز به تمهیدات طراحانه برای این فضا است. آنکه در شیراز مفهوم تفریح را می‌داند، قطعا درمی‌یابد که طراحی فضاها نیازمند ساماندهی هستند که به قطعیت و صراحت در حال پس زدن برخی رفتارهاست و حکم

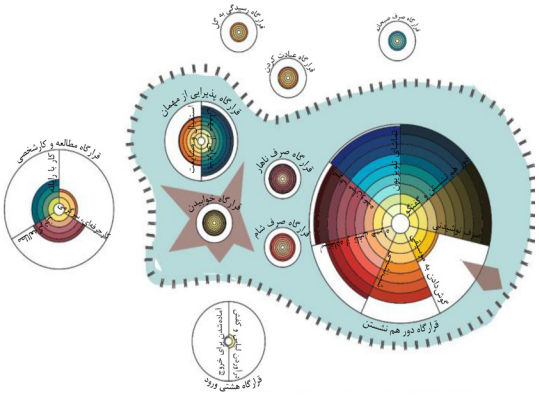

تصویر۲- قرارگاه رفتاری و الگوهای مکان-رفتار در فضای نشیمن.

اخلال‌گری را بدان‌ها القا می‌کند. در حالی که برای یک شیرازی حال و هوای مفرح در کنار گل و گیاه دلخواه است. فرح‌بخشی در حیاط یک صفت است که کلیت فضای حیاط آن را کسب می‌کند. وقتی اجزای شکل‌دهنده قرارگاه‌ها و مشخصات فضایی و فرهنگی حیاط نتواند ارتباط دقیق با هم برقرار نماید چنانکه یک کل وحدت‌بخش با رفتار انسان را ایجاد نماید، سیستم زندگی در حیاط دچار اختلال می‌گردد و صفت فرح‌بخشی و رفتار تفریح در آن تضعیف می‌گردد و نیازمند رسیدگی و ساماندهی است. برای حل مشکل قرارگاه‌های اخلال‌گر نیاز به طراحی انعطاف‌پذیر یا اجتماع‌پذیر می‌باشد تا بتوانند این گونه قرارگاه‌ها را در فضا به درستی تنظیم نمایند. در غیراینصورت این رفتارها موجبات درهم‌ریختگی و آشفتگی قرارگاه رفتاری می‌گردند و سینومورف یا هم‌ساختی رفتاری فضاها را درهم می‌ریزند.

البته در این مورد برخی *قرارگاه‌ها بینابینی* هستند. یعنی نه اخلال‌گر می‌باشند و نه هم‌ساختی مطلوبی با دیگر سینومورف‌ها ایجاد می‌نمایند. از جمله این رفتارها می‌توان قرارگاه شست‌شوی لباس در آشپزخانه را مثال زد. علت رفتار بینابینی این فعالیت، آن است که این فعالیت در ارتباط با حمام و لباس‌های کثیف از یک سو و خشک‌کردن و پهن‌کردن لباس در فضاهای نیمه‌باز یا باز از سوی دیگر قرار دارد. اما به علت اینکه شخص انجام‌دهنده این فعالیت، خانم خانه است، جهت تسهیل کار، در فضای آشپزخانه قرار گرفته‌است اما ارتباط با دیگر الگوهای مکان-رفتار خود را از دست داده است. این گونه قرارگاه‌ها در فضاها لازم است با توجه به سبک زندگی افراد به دقت سنجیده شده و راهکاری برای تقویت و یا حذف آن از فضای شناسایی شده درنظر گرفته‌شود.

مورد دوم حضور *رفتارهای تداخل‌کننده* در یک قرارگاه است. در این مورد یک الگوی مکان-رفتار در قرارگاه رفتاری خاصی قرار می‌گیرد و با مجموع الگوهای مکان-رفتار، قرارگاه ویژه‌ای را پدید می‌آورد اما رفتار مورد نظر با دیگر الگوهای مکان-رفتار در قرارگاه تداخل ایجاد می‌نماید. به‌طور نمونه در قرارگاه دور هم نشستن، دو دسته رفتار تداخل‌کننده وجود دارد که یک دسته شامل رفتار تلویزیون دیدن و گوش دادن به موسیقی و استفاده از تلفن همراه است و دسته دوم شامل رفتار شب‌نشینی، دور هم نشستن و گفتگو کردن می‌باشد. البته دسته سومی هم در این قرارگاه حضور دارند که با این دو مورد همساز بوده و نقش میانجی را بازی می‌نمایند. در هر حال دو دسته الگوهای مکان-رفتار تداخل‌کننده، فرم‌های رفتاری غیرهمسانی را برای قرارگاه رفتاری مورد نظر پدید می‌آورند که کلیت رفتار در این دو دسته متفاوت می‌گردد. یک دسته فرم رفتاری دور یک وسیله نشستن و شعاعی را ایجاد می‌نماید و دسته دوم فرم رفتاری دور هم نشستن و مرکزگرا را پدید می‌آورد. این دو دسته به علت فرم متفاوتی که در قرارگاه رفتاری پدید می‌آورند، دارای ساختار غیرهمساخت درونی هستند. در طراحی فضای نشیمن نیز لازم است تمهیداتی برای همساختی درونی این دو دسته رفتار در یک قرارگاه در نظر گرفته‌شود.

مورد سوم *قرارگاه‌های احتمالی تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده* است. قرارگاه‌های احتمالی به‌طور معمول شاخصه‌های قرارگاه رفتاری را تا درجه نسبتاً نزدیکی کسب نموده‌اند اما نتوانسته‌اند قرارگاه رفتاری در فضای مورد نظر پدید آورند. در برخی موارد علت عدم حضور این الگوهای مکان-رفتار در فضای مورد نظر، عدم وحدت در قرارگاه‌های رفتاری اصلی و غیرهمساختی و اخلال‌گری قرارگاه‌ها با هم هستند. به عنوان مثال در فضای نشیمن قرارگاه *مطالعه و کار شخصی*، در عین اینکه امکان اکتساب شاخصه‌های یک قرارگاه را در فضای نشیمن داراست اما در فضای نشیمن به عنوان قرارگاه اصلی جای نگرفته است. علت این امر حضور الگوهای مکان-رفتار تداخل‌کننده در قرارگاه‌های رفتاری اصلی نشیمن است که با قرارگاه‌رفتاریِ *مطالعه و کار شخصی* تداخل دوسویه دارند. بدان معنی که برخی رفتارها همچون تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی، صحبت با موبایل و تلفن که دارای حریم صوتی متفاوتی با این الگوهای مکان-رفتار هستند، تداخل حریم صوتی با آن ایجاد می‌نمایند. لذا در طراحی این فضاها جهت همسو نمودن این قرارگاه با قرارگاه‌های نشیمن نیاز به تمهیدات طراحی و همچنین هدف‌گذاری طراحی هست. این قرارگاه در صورتی که بخواهد الگوی فرمی مرکزگرای رفتار را تقویت کند، می‌تواند به عنوان یک ساختار همسو و با تمهیدات فرمی و فضایی، در فضای نشیمن تقویت گردد و به عنوان یک قرارگاه احتمالی تقویت‌کننده در فضا قرار گیرد. در صورتی که هدف‌گذاری بر شکل‌دهی فرم شعاعی رفتار در فضای نشیمن باشد، این الگوهای مکان-رفتار لازم است تا با تمهیداتی در دیگر مکان‌های خانه جای گیرند تا خاصیت تضعیف‌کنندگی آنها در فضای نشیمن کاهش یابد. از این جمله قرارگاه‌های احتمالی که می‌توانند نقش دولبه را داشته‌باشند و با توجه به طرح معماری تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده باشند می‌توان به قرارگاه‌های رفتاری صرف صبحانه، رسیدگی به گل و گیاه در فضای نشیمن اشاره کرد. در فضای آشپزخانه نیز الگوی رفتاری صرف غذا را می‌توان مثال زد که می‌تواند با همراهی با قرارگاه رفتاری صرف میان‌وعده تقویت‌کننده باشد و یا با تقویت قرارگاه رفتاری آشپزی و شستشو، تضعیف‌کننده باشد. در فضای اتاق خواب، حیاط و فضای نیمه‌باز نیز چنین قرارگاه‌هایی وجود دارند که با هدف‌گذاری طراحی و تقویت یا تضعیف قرارگاه و تمهیدات فرمی و فضایی، می‌توانند حضور قوی‌تر یا ضعیف‌تری را در قرارگاه فضاها اعمال نمایند.

مورد چهارم بحث *قرارگاه‌ها و رفتارهای مبلمان‌محور یا فضامحور* می‌باشد. به‌طور کلی قرارگاه‌های رفتاری فرای رفتار جاری آنها یا مبلمان‌محور و یا مکان‌محور هستند. به‌طور مثال الگوی مکان-رفتارِ صرف شام در فضای نشیمن، رفتاری مبلمان‌محور است و چه این صرف غذا بر روی میز اتفاق افتد و چه از طریق مبلمان‌های گستردنی و جمع‌شدنی مانند سفره تنظیم گردد، در هر حالت این الگوی مکان-رفتار مبلمان‌محور است و با حضور مبلمان تجسم رفتاری قابلی می‌گیرد. اما برخی رفتارها مکان‌محور هستند و حضورآنها صرفا از طریق مبلمان اتفاق نمی‌افتد بلکه با عجین‌شدن با مکان، شکل خود را تثبیت می‌نمایند و لذا به شدت بر فرم فضا اثرگذار هستند. از جمله این رفتارها می‌توان قرارگاه رفتاری دورهم‌نشستن را مثال زد که در فضای نشیمن شاکله فرمی فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن

نیز تأثیر می‌پذیرد و لذا تعامل دوسویه این قرارگاه یا الگوهای مکان-رفتار واقع در آن با فضا، بر کلیت فرمی و رفتاری فضا اثر مشهود می‌گذارد. شناخت این دو گونه رفتار بسیار به شناخت نوع تمهیدات طراحی کمک می‌کند. از جمله قرارگاه‌های رفتاری مبلمان‌محور می‌توان به پخت و پز در آشپزخانه یا تماشای تلویزیون در نشیمن اشاره کرد. از جمله رفتارهای فضامحور می‌توان به دورهم‌نشستن در فضای حیاط، خوابیدن و عبادت‌کردن در فضای اتاق اشاره کرد. شناخت این فضاها در طراحی و سعی در اتخاذ تصمیم‌های درست فضایی برای آنها می‌تواند هویت فرمی و عملکردی فضا را تحت تأثیر قرار دهد و حتی بر پیمون‌ها و مدول‌های شکل‌دهنده فضا اثرگذار باشد. چنانکه برخی فضاها در خانه‌های قدیم بر اساس همسازی با مبلمان‌هایی چون فرش و دیگر مبلمان‌ها اندازه‌بندی می‌شدند و لذا شناخت این موارد می‌تواند اتصال صنعت و صنایع دستی را با معماری به ساختاری درست و مطلوب سوق دهد. در واقع زمانی که مبلمان نقش فرهنگی را بر پیکره خود دارا باشد، چنان با فضا عجین می‌شود که می‌تواند خود به عنوان بخشی از فضا قلمداد گردد. علت این امر درهم‌تنیدگی رفتار با دستاورد فرهنگی است که به احتمال قوی زاییده رفتارهای فرهنگی می‌باشد. لذا توجه به کلیه اجزای شکل‌دهنده قرارگاه‌های رفتاری در یک خانه می‌تواند فضای زندگی را به سمت کاشانه‌ای مألوف پیش برد و بی‌دقتی به آن می‌تواند فضا و رفتار را دچار درهم‌ریختگی فضایی و رفتاری نماید.

نتیجه

در نهایت می‌توان چنین بیان نمود که شناخت قرارگاه رفتاری و تحلیل آن در فضاهای زندگی، می‌تواند شناخت بیشتری به طراحان و معماران جهت طراحی بدهد و از طریق این شناخت و تحلیل و بررسی و علت‌یابی حضور آنها، می‌توان به درک بهتری از شیوه زندگی ساکنان و اهداف طراحی فضاها، دست یافت. درک این موارد، بسیار در طراحی اهمیت دارد و در نهایت به طراح جهت ایجاد فضای بهتر کمک می‌نماید. این چارچوب و روش شناختی فضاهای زندگی که با حفظ حریم خصوصی بوده و به طراحان امکان اندیشمندانه طراحی کردن فضاها را می‌دهد، توصیه می‌گردد.

در ضمن با توجه به اینکه معماری بازتاب بسیاری از رفتارها و حتی اعتقادات هر جامعه‌ای است، دقت به قرارگاه‌های رفتاری از جهت تداخل و اختلال‌های حریم صوتی، دیداری، فرمی و ... در شناخت قرارگاه رفتاری فضاها امر مهمی است که توجه بدان پس از تحلیل قرارگاه‌های رفتاری واقع در فضاها و شناخت عادت‌واره‌های زندگی می‌تواند راهگشای معماری بناهایی با همساخت درونی باکیفیت‌تر و سینومورف‌های غنی‌تر و قوی‌تر و وحدت ساختاری قرارگاه‌ها گردد.

تنوع فعالیت‌ها در فضاهای عمومی از جمله نشیمن، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری جهت رسیدن به کیفیت درخور جهت پاسخدهی به رفتارها و برطرف نمودن کلیه نیازها و انتظارات کاربران مخصوصا در فضاهای چندکاربری ضروری می‌نماید. این‌گونه کیفیات فضایی می‌تواند موجبات وقوع همزمان یا غیرهمزمان رفتارها را فراهم نماید. پژوهش‌های آتی می‌تواند به کاربست الگوهای رفتاری در طراحی فضاهای مسکن و شناخت الگوهای فضایی پایه و متناسب برای قرارگاه‌های رفتاری همسو با انسان بپردازد.

مطلب مهم دیگری که باید ذکر گردد این است که این پژوهش نمایان می‌کند که تا چه حد زندگی ایده‌آل با آنچه امروزدرطراحی‌ها قرار داد فاصله دارد و سعی در جهت خیزش به سمت چنین زندگی که بتواند وحدت زیستی و کلیت درخور و زیبایی را فراهم آورد، بسیار اهمیت دارد. این پژوهش تلاش نمود تا محرک توجه معمارها به نیازهای انسانی ایرانی‌ها در فضاهای خانه‌هایشان باشد. به تعبیری بهتر پژوهش پیش‌رو میزان قابلیت و استطاعت محیط را با پیکربندی فضای معماری جهت انتخاب‌های رفتاری باشندگان و کاربران محیط نشان می‌دهد و مشخص می‌نماید که پیکره‌بندی فضایی تا چه حد انتخاب‌های رفتاری را محدود می‌نماید یا گسترش می‌دهد. بدین طریق خواهد دانست که فضاهای طراحی شده تا چه اندازه از شناخت امکان وقوع رفتارها دور است و احتمالا همه این موارد بدان سبب است که ذهن طراح در هنگام طراحی بر روی موارد دیگری چون ایده‌پردازی‌های خلاقانه، زیبایی و جلب مشتری و ... چنان تمرکز نموده که این موارد را که بسیار واضح است از یاد برده است. اگر قدری در زندگی‌های گذشته خود و نیاکانمان دقت کنیم، راه‌حل‌هایی چون حضور گنجه‌ای در فضای مهمانخانه، توانسته است راهکارهایی برای حضور رفتار عبادت و خوابیدن در کنار شور و نشاط دور هم‌بودن را فراهم آورد. شاید سعی در ایجاد استمرار فضایی به جای مرزبندی‌های فضایی در بسیاری از حوزه‌های زندگی ما بتواند راه‌حل درخوری برای فضاهای معماری ارائه دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Behavior Settings.
2. Corona Pandemic.
3. Barker, Roger (۱۹۰۳-۱۹۹۰)؛ روانشناس امریکایی، از پایه‌گذاران روانشناسی محیطی و روانشناسی اکولوژیک. شهرت او بیشتر بخاطر نظریهٔ قرارگاه رفتاری است. دکترای خود را از دانشگاه استنفورد (Stanford University) دریافت نمود و در این دانشگاه به مدت دو سال با کورت لوین همکاری داشت.
4. Donald Appleyard.
5. Nicole Senaf.
6. William Michelson.
7. Jerome Bruner.
8. Francis.
9. William White.
10. Sketching Method .

11. Time Budget Method.
12. Simple Observation.
13. Participant Observation.
14. Phisical Traces.

۱۵. نقشه‌برداری رفتار، روشی عینی برای مشاهدهٔ رفتار و اجزا و ویژگی‌های مرتبط با محیط ساخته شده می‌باشد و این امکان را برای محققان ایجاد می‌نماید که با یک روش نوآورانه به ارزیابی رفتار مرتبط با خصوصیات دقیق فیزیکی قرارگاه‌های رفتاری بپردازند. این روش، مشاهده‌ای مستقیم و ساده برای ثبت مکان و نوع فعالیت کاربران می‌باشد که بطور همزمان انجام می‌گیرد(Cosco, Moore, & Islam, 2010, 513). از نمونه‌های اولیهٔ این روش می‌توان به روش مداد و کاغذ اشاره کرد که در سطح محلات مسکونی، زمین‌های بازی و پارک‌ها انجام گرفته است(Björklid, 1982)، (Kinoshita, 2007)، (Moore, 1986)، (Moore & Wong, 1997)؛ (Cosco, Moore, & Islam, 2010, 514). در حال حاضر نقشه‌برداری رفتار یک روش کارآمد برای جمع‌آوری و پردازش داده‌ها برای محققان رفتار محیطی به شمار می‌رود.

16. Henry Sanoff.
17. Behavior Settings in Residential Environments.
18. David V. Perkins.
19. A Behavior Setting Assessment for community programs and residences.
20. Life style.

۲۱. حد نصاب یا نقطهٔ قطع (K) به‌کاررفته در تحقیقات قرارگاه‌های رفتاری راجر بارکر عدد ۳/۷ و یا ۲۱ از ۴۹ می‌باشد؛ بارکر در امتیازدهی‌های هفت‌تایی خود از سلسله‌مراتب نزولی با فاصله‌گذاری یکسان استفاده کرده است؛ به‌گونه‌ای که بالاترین امتیاز را عدد ۱ و پائین‌ترین امتیاز را عدد ۷ در نظر گرفته است. بر همین اساس و طبق تحقیقات بارکر به دلیل اینکه در این پژوهش از سلسله‌مراتب صعودی (عکس سلسله‌مراتب به کار رفته توسط بارکر) استفاده گردیده است؛ به همین دلیل نقطه قطع موردنظر عدد ۴/۷ می‌باشد که در بازه پنج‌تایی معادل عدد ۲,۸۵ می‌باشد. بنابراین هر یک از شاخص‌های قرارگاه رفتاری مورد پرسش در جداول شناسایی قرارگاه‌های رفتاری اگر دارای امتیازی بیش از ۲,۸۵ گردند، در این صورت آن شاخص، حدنصاب لازم را به دست آورده و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

22. Chapin.
23. Likert scale.

۲۴. به دلیل حجم بالای مطالب از توضیح قرارگاه‌های احتمالی در فضاها صرف نظر گردیده است.

۲۵. بارکر از «الگوهای مکان-رفتار» تحت عنوان سینومورف (Syn-omorphic) یاد می‌کند. این الگوها در واقع نشان دهندهٔ همساختی و وابستگی متقابل بین الگوهای رفتاری و محیط‌کالبدی می‌باشند.

26. Environment Affordance.

فهرست منابع

افشاری، محسن. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۴)، توالی معنادار فعالیت‌ها در مسکن، مطالعهٔ موردی ایل قشقایی. *مطالعات معماری ایران*، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۷، صص ۵-۱۸.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، *محیط و رفتار اجتماعی*: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن. *مسکن و محیط روستا*، تابستان ۱۳۹۰، شمارهٔ ۱۳۴، صص ۳-۱۸.

پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۴)، *منظر انسانی در محیط مسکونی*. تهران: آرمان شهر.

فیضی، محسن. سهرابیان، افروز (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر قرارگاه‌های رفتاری در بهینه‌سازی تعامل رفتار و محیط (راهکاری در راستای جلب مشارکت کاربران برای پایداری مکان)، *ماهنامهٔ دانش‌نما*، شمارهٔ ۲۳۳-۲۳۵، صص ۷۴-۸۳.

گلستانی، نفیسه؛ روشن، محبوبه و شیبانی، مهدی (۱۳۹۴)، سنخیت‌شناسی همسویگی معنادار روش های ارزیابی قرارگاه های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری، *مدیریت شهری*، ۳۸، صص ۲۴۱-۲۷۲.

لنگ، جان (۱۳۸۱)، *آفرینش نظریهٔ معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران،

Barker, Roger Garlock. (1968). Ecological psychology: *Concepts and methods for studying the environment of human behavior*: Stanford University Press.

Björklid, Pia. (1982). *Children's outdoor environment*: *A study of children's outdoor activities on two housing estates from the perspective of environmental and developmental psychology* (Vol. 11): CWK Gleerup.

Baum, Andrew, Davis, Glenn E, & Valins, Stuart. (1979). *Generating behavioral data for the design process Residential crowding and design* (pp. 175-196): Springer.

Cosco, Nilda G, Moore, Robin C, & Islam, Mohammed Z. (2010). Behavior mapping: a method for linking preschool physical activity and outdoor design. *Med Sci Sports Exerc*, 42(3), 513-519.

Chapin, F. Stuart. (1936). Social Theory and Social Action, *American Sociological review*, volume1, no.1, (1-11).

Dureck, Donna. (1993). A*architectural programing*: *information management for design*. John wiley & sons, New York.

Kinoshita, Isami. (2007). Children's participation in Japan: an overview of municipal strategies and citizen movements. *Children Youth and Environments*, 17(1), 269-286.

Lawrence, Roderick J. (1995). Deciphering home: An integrative historical perspective. *The Home*: *Words*, *Interpretations*, *Meanings*, *and Environments*, 53-68.

Manandhar, Sachit. (2014). *A behavioral analysis of two spaces in Kansas State University's Hale Library based on psychologist Roger Barker's behavior setting theory*. Kansas State University.

Moore, Gary T. (1986). Effects of the spatial definition of behavior settings on children's behavior: A quasi-experimental field study. *Journal of Environmental Psychology*, 6(3), 205-231.

Moore, Robin C. (1986). The power of nature: Orientations of girls and boys toward biotic and abiotic play settings on a reconstructed schoolyard. *Children's Environments* Quarterly, 3(3), 52-69.

Moore, Robin C, & Wong, Herb H. (1997). Natural Learning: The Life of an Environmental Schoolyard. *Creating Environments for Rediscovering Nature's Way of Teaching*: ERIC.

Perkins, David V, & Baker, Frank. (1991). A behavior setting assessment for community programs and residences. *Community mental health journal*, 27(5), 313-325.

Rapoport, Amos. (2005). *Culture*, *architecture*, *and design*: Locke Science Pub. Co., Chicago.

Sanoff, Henry. (1971). Behavior settings in residential environments: A research strategy for determining what happens in the designed environment. *Journal of Architectural Education*, 25(4), pp. 95-97.

Wicker, Allan. (1979). *An Introduction to Ecological Psychology*. Brooks. Cole, Monterey, CA.

Analysis Framework for Recognition Behavioral Settings in Residential Spaces Case Study: Farhang Shahr District in Shiraz*

*Esmail Mehri Ghahfarokhi[1], Maryam Ekhtiari**[2], Hamid Raza Sharif[3]*

[1] Graduate Master in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Fars, Iran.
[2]Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Fars, Iran.
[3]Associate Professor of Art and Architecture, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Fars, Iran.
(Received: 25 July 2019, Accepted: 7 Jan 2020)

In the majority of spaces that are similar to each other in various houses, recognizing and categorizing common behavioral patterns in different spaces of a house updates the architects' and designers' knowledge. It also increases their better understanding of users' behavioral needs and interests at any time. It also helps them to avoid using old and unpractical clichés in house designing. The Appearance of various behaviors over time has led this study to identify and analyze behavioral patterns in housing spaces by reviewing the current location of users in the form of behavior settings. The information in this research is descriptive-analytic and is obtained by using non-interventional evaluations of the observable samples, by using researcher-made tools in the form of identification tables of behavior settings together with the users' drawing. In this research, all behaviors in each of the housing spaces were identified with all synomorphics, probability of occurrence, and other indicators of behavioral settings. The findings of this research identify a network of behavior settings in housing along with all their characteristics, temporal, and spatial features.

The most important principle in organizing spatial behavior settings of housings is to pay attention to the temporal organization of behaviors. By using this method, one can obtain the spatial features pertinent to the places where there are the occurrences of behaviors. It is possible to design space for optimal use of daylight, according to the time interval of the occurrence of behavior settings. The improvement of the internal structure (arrangement of furniture and accessories) is also possible with the spatial layout of the house based on concomitance and time intervals. Spatial concomitance and spatial sequences of occurrence of behaviors in the behavior settings can be worked upon. Creating the appropriate potentials for strengthening the major behaviors of space, as well as removing or controlling potentials for disorderly behaviors in space can enable the creation of responsive spaces.

The more the types of users of the behavior settings increase or, in other words, the more the behavior settings become public, the variety of activities increases and the probability of disorderly behaviors also increases. As a result, there are decreases in the amount of agreement with the occurrence of behaviors, the limitation of the time and place of occurrence of behaviors and the concomitance with the physical context. Thereafter, the potential for the occurrence of behavior settings is also reduced. This research identifies the status of each behavior in order to strengthen, reduce, control, or eliminate them by creating spatially balanced platforms and modifying the degree of communication or degree of separation at different levels, such as: behaviors, synomorphic, behavior setting and spaces. Therefore, this study seeks to provide solutions in order to generate better responses of spaces to users' behavior. Based on these results, one can grasp the correct and realistic understanding of the behavioral currents in each housing space in order to design a space commensurate with the roles and functions of that space, considering the contribution of each behavior in space.

Keywords
Behavior Setting, Behavioral Psychology, Environmental Psychology, Housing, Behavioral Pattern, Synomorphic.

*This Article is extracted from the first author's master thesis, entitled: "Designing residential complex in Shiraz; organizing behavioral settings of dwelling unit" under the supervision of the second and the advisory of the third authors.

**Corresponding Author: Tel: (+98-71) 36131062, Fax: (+98-71) 36230447, Email: maryam ekhtiari@yahoo.com